

برای شرف و کرامت و عزت و جلال

و کبریا و جلال و کرامت و عزت و جلال

و کبریا و جلال و کرامت و عزت و جلال

گردد

ای شاکر و دانای و عزت و جلال

و کبریا و جلال و کرامت و عزت و جلال



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۲۸

۵۱۳

سی

کتابخانه
 در عهد دلفری
 طب

کتابخانه
 در عهد دلفری
 طب

درد فکور کتب
 شماره
 ثبت گردید ۲۸۵۱۳



برای شادی روان مرحوم حجة الاسلام

حاج شیخ ابو جعفر مجتهد کرمانی

وقف آقایان حضرات طلاب علوم دینی
گردید

بسم الله الرحمن الرحيم
و ما بر عاقبتنا حیوان و نبات و زرع و معدن
بنده و کاه و کرم محمد کرمانی طریقتی
اعلیٰ حضرت ولی فقیه اقدس شیخ ابوالفضل
ملک و دود و سلطان علی بن حسین و اولاد برای
نشاط لایزال و خیر و برکت و کرامت و شایسته
علمی و دینی و علمی و دینی و کرامت و شایسته
و علم و دینی و علمی و دینی و کرامت و شایسته
المنازل و شهر و دینی و کرامت و شایسته
سید محمد



حَبِيبًا جَدِيدًا

٢

كَلَامُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَدَدُ اللَّهِ الَّذِي عَرَفْنَا أَسْرَارَ حُكْمِهِ وَاشْرَفَ فُلُوبُنَا بِأَنْوَارِ مَعْرِفَتِهِ
وَنُورِ صَبَاحَاتِهِ تَكْشِفُ أَثَارَ خَلِيفَتِهِ وَالْهَمَّ نَارِ قَابِ
دَقَابِ خَلِيفَتِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ أَوْفَى جَوَامِعِ الْكَلِمِ
وَسُفْنَاءِ مَرُشِكُوهُ سِرِّهِ لَوَامِعِ الْحُكْمِ مُحَمَّدٍ الْمَبْعُوثِ لِنَبِيِّنَا
مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ بِكَرَامَتِهِ مَوْعِظَتِهِ وَنَعِيمِ الْحِكْمَةِ وَفَضْلِ الْخَطِّ
بِلَطَائِفِ حُكْمِهِ وَآلِهِ وَعَرَفْتُهُ أَشْرَفَ مَنْ انْتَجَبَ مِنْ أَكْفَرِ أَرْوَاحِ
سَيِّدِ الْبَرِيَّةِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّتِهِ وَخَلِيفَتِهِ وَالْأَمَّةِ الْهَدَى
الطَّاهِرَةِ الْمَعصُومَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

بِذَلِكَ يُكْرَمُ بِرَدِّهِ إِلَى دُنْقَدَرِ حُكْمَتِهِ بِالْفَرِّ وَقَدْ كَامَلَ

دینا چاه

خلف انسان را آنچه جامعه امکان فرموده و در هر
عضویش چندان کار خانات بدایع صنایع و طرف حرف
نفسیه کرده که بنیه عقول العقلاء عن غذاها و بحر
البلیغ حصرها لاجرم سرور کائنات و خلاصه موجودات
رسوا کرم و بنی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد
العلم علما علم الابدان و علم الابدان و بحکم این کلام
معجز نظام نظام علم ابدان درجه شوق اردجه ارشاد
ایمان عمل بارگاز است که ناش زانوان و بدتر این روی
نباشد بسیاری از اعمال چون حج و جهاد و صوم و صیام و
و غیره و غیره صوت نمی بندد هکذا علم ابدان مفاتیحه
بل انوار و خلاصه علم معارف روحانیه الهیه است
بدینکمل علم طب توحید کمال پذیرد چه که هیکل و غیر
انسانی مجموع عالم کبر و این نسخه مختصر بکنه و کینوشد
تساو کون کابر مبین اکبر است و مقال حکمت اشیا و اولی الامر

دیباجیه

عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهُ الْمَلِكُ الْعَلِيُّ بِإِمْطَالِ حُجَّتِي مِنْ بَرَأَتِكَ
تَرْعَمُ أَنْتَ جُرمِ صَغِيرٍ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
وَأَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ بِاللَّهِ بِأَحْرَفِهِ تُظْهِرُ الْمَضْمَنَ
وَتَكْشِفُ بَدَائِعَ مَكُونَةٍ دَرْجُوتِ بَشَرٍ وَوَدَائِعَ مَكُونَةٍ دَرْجُوتِ شَيْءٍ
يَا كَرِيمُ كَوْهَرًا أَعْدَدْتَ سُلْسِلَةَ جَلِيلَةٍ حَكَمَاءَ وَطَبِيقَةٍ عَلَيْهِ
الْمُلْكُ الْعَالَمُ زَنْدَةً كَانِي وَمِثْلُكَ زَامِرٌ مَحُوزٌ انْكَشَافَاتٍ وَمَدَائِدُونَ
اخْتِرَاعَاتٍ فَوْقَ الْعَادَةِ خَوْذُ فَرْمُودِهِ أَنْدَمُوفُونَ نَكْرَدِيدِهِ وَالْحَقُّ
دَرْزَمَانِ خَالِصِهِ عِلْمَاءُ ابْنِ غَنِّ عَالِي وَحَكَمَاءُ ابْنِ غَمَامِ سَامِي
وَرُمْلِي ابْنِ رَأْبِ عَلِيٍّ أَوْ سَلُوكِ ابْنِ مَعْنَا أَوْ مَكَا شَعْنَانِي دَسْدَادِ
كَرِيمَانِ بَيَانِ بَيَانِ بَيَانِ ارْتِخِ وَحَصْرَانِ غَاجِرٍ وَفَاصِرٍ
مِنْ جَمَلِهِ أَنْتَكَ أَرْبَابُ بِيَاوِيكَ أَرْهَازِهَا خِرَاعِ الْأَبْ وَادَّوَانِ
ذَرِّهِ بِنُفَاسِ كَرِيمِ اسْطَرَانِهَا كَشْفُ مَعْلُومِ كَرْدِهِ أَنْتَكَ بِيَاوِي
نُظَرِ خُورِ دَارِ آيِهِ كَرْدِ رُكْنِ صَغِيرِهِ وَهَرَارِ انْجُودِ
وَمَحْلُوفِ حَافِزِ زَانِ ذَرِّهِ بِنِ اسْتِكَرَامِ دَرِ انْجُودِ

شاهان جهان السلطان محمد بن

درست باح و شناور و پند سبحان الله جل جلاله این
جانوران بعضی ستم نفع و دشمن جانکداز و خصم خویش
عمر عزرائد و برهنی دیگر زبانی و فاد زهر لیدند و حاکم
مملکت روح و بدن و ذافع نطاول و حیوان از غارت
کران جاز و نند مثل امراض مهالک و بفری که ماده ظهور
از تولید بعضی جانوران دره پیم است و سالیهای دراز
مزارع جاهای عزیز و احصاد و غزلان و باطن حیوانات
بود علماء حکمت طبیعی که بحالی و منظر علم و فکرت و
دکارند بندیر علمی علاء جش را در مفعیم دم الفرس ناپید
این بزرگترین **دکتر محمد** که ماستهای که در وقت
یوکل اسانی ندارد و محض اینکه حدهای بیوع کرده باشد
در ماست سلطنت شاهنشاهی خلافت و امید کاه خداوند
نام و نیکین و خیر و نداد و دین ظل الله فی الارضین
که دام سلطنتش بعد از این مفرود نداد و پایه رفعتش

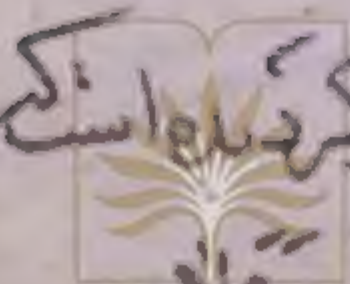


پنجابچه

۴

از کرده و نرساله مختصر در این باب از قرآنسے بفارسی
ترجمہ نمود و بطبع رسانید کہ فایده اش عام و دعاوی خلاص
بافتگان از این مرض مهلک عاید رُو ز کار فرخنده انار علی
حضر قدس قدر اقدس ظل اللہ باشد باللہ التوفیق علیہم کلہم
در زمانہ حال بہ درممالک افریقہ و امریکہ در این علاج
امراض طرہ مختلفہ جدیدہ و متداولہ و معمولیہ کہ عنده
انہا رابطہ اختصاصاً در این رسالہ بعون اللہ تعالیٰ مہنگار
اول ذر و عصارات اجزاء حیوانیہ و مخلوقاتی کہ فایم
مقام انہا است

دویم ذر و خون حیوان است و بدانسان
سیم ذر و سرم (اب خون) خون حیوان است
چہا ام ذر و سرم مصنوعی است
پنجم ذر و سرم خون حیوان مصنوعی کہ
موسوم است سرم ضد تکثرین با فراہادی و علاجی



کتابخانه ملی ایران

زَرْفِ عَصَا جَوْنِ

۷

فصل اول

زَرْفِ عَصَا جَوْنِ عَصَا جَوْنِ وَفَا بَعَا كَهْدَانَهَا
حَرَبْهَا اَنَسَا

بر سنکاهی در ۱۳۱۳ فصلی مجلس علمی محبت الحیو در آن
حاصله از زَرْفِ تحت جلدی مایعکه از بیضه خرگوش کرفه بود
فرستاد و ذکر نموده بود که از زَرْفِ مایع مذکور در اشخاص
قوة نازة جسم و نفس پیدا میشود و عبارتة آخری بحالت جوانان
ربوع میباشد و ادغای این حکیم دانشمند معروف و اسبنا
حیرت خواص و عوام کردید

و طریقه این حکیم منشأ امحانات عذیبه کردید و در ادو
وامریکای طب و مقام زَرْفِ با مایع کبیره در علاج امراض مختلفه
برآمد و پس از استعمال مایعیکه از حبس است بنبضه حیوانات مختلفه
حاصل میشد و مقام استعمال مایعیکه از کبیره فوق کلبه و عده
در فی جرم کلبه و لود المعدیه برآمد و از آن موسوب انتقال و طریقه

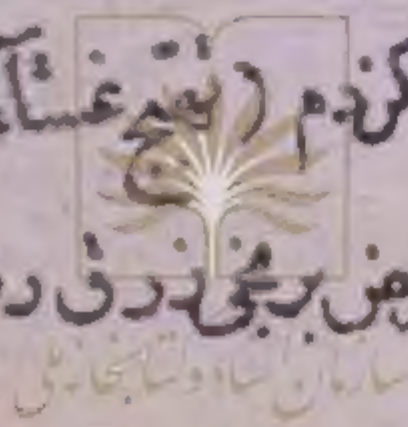


فصل اول

۸

رطوبت عصبی نمودند و ذکر فسطاطین نام رطوبتی را که
از ماده خاکسری دفاع کو سفند نازده دفع شده اخذ
میشود زرق میگرد

پس از آنکه ذات پیچیده را در این ماده نازده دفع شدند باید
غده مختلفه بدن غیر از رطوبات در شصت مخصوصه بهر یک
که معروف با طبای است مواد جوهرات مکنونه و غیر معلومه
دارند که لازمه تنگی اعمال بدنست و در هر جا که این جوهر
مفقود یا ناقص گردد میتوان بخواهش آن رطوبتی را که از همان
عضو از حیوان سالی اخذ شود و در بدن زرق نمود و بسبب
بجاریت طبای از اینجاست که در حیوان و ما الی حیوان و آنکه
لکون پس (بی اختیاری و حرکت) دفع بار عشه و طوبی
سکاهی بر زرق نمودند و هم چنین در زرق پیچید
سر سام زرق رطوبت عصبی و میگرد (بفتح غاء غلط)
زرق رطوبت غده زرقی و در مرض برنجی زرق رطوبت



در فواید عصا حیوانی

کپسه فوق کپسه و زرق رطوبت ماده فشرکپه درخت
امراض اوری و زرق رطوبت لوز المعده درد و لای
طرز ساختن این عصا را ت حیوانیه عمومنا با اینطور است که
عضو را با اب مفر صلابه نموده و رطوبت حاصله را
با کاغذ صافی زلال می نمایند بسیار ای را طبیبان ^{در نظر}
این رطوبات در یات ضد عفونی مخصوص است
می نمایند و جمع گیری هم صرف نظر از این مصالح آنها
نموده اند و بواسطه علاج با اصلاح حاصله از این ^{طوبان}
بسیاری از علما اندیشی و فکر لوزی صنعت و اوقات
خود را مختصر بساختن این رطوبات حیوانیه نموده اند
که اطباء و دانشمندان آنها را از این اشخاص مخصوص می برند
ولی باید در این باب گفت نمود چونکه بعضی مجای این رطوبات
اب مفر خالص می فروشند بعضی دیگر هم دقت در این
سلامتی حیوانیه که عصا را می گیرند نمی نمایند و نامش

فصل اول

۱۰

در استعمال ادویه ضد عفونیته میکنند پس باید این عمل
در تحت قاعده صحیح و باضافت فرستاده باشد و برای که
بسیار دیده شده است که پس از زرق دوا عوارض و علا^{ئم}
سراپت امراض عفونیته خطرناک در مریض بروز نموده است
مانند مسمیته و جره و نوبز کول که از اینجوانات بائسک
مزروفی رسیده است

لهذا در ۱۳۱۳ در قمر محکم از جانب دولت اداره^{مخصوصه}
در باب سپیده کی دامکاران این عصارات حیوانیه برقرار شد^{و این}
سازنده و فرستنده بمنشور است و طوایف مذکوره را
بفرستند فکر بانشرا بطریقی که بعد ذکر خواهد شد
و در این مقام گفتگوی از طریق ساختن و زرق این مایعات
الیه و همچنین نتایج حاصله از زرق آنها را ذکر نمائیم
چون سائل کثیره در این باب نگاشته و بطبع رسیده است
و ذکر آنها نیز خارج از وضع این رساله می باشد بعضی هم

زرد و عصاره چوب

۱۱

نمای در طبابت حیوانیه مخلوقات و نباتات ذکیر را
استعمال نموده اند

اول سیرم عظیم خون و سیرم کلر هیدر ژان و سیرم
سیت و صفات زرد و سود چوبها سیرمهای قوی
که از روی دستور املهای مختلفه ساخته میشود

بخصوص دستور العمل شیرین که از قرار ذیلست

سولفات و سودیک بغایده شیمیایی خالص باشد ۸ گرم

صفات زرد و سود ۱۰ گرم

کلر و زرد و سود بوم ۴ گرم

اسید فنیک برقی ۱۰ گرم

آب خالص فقط ۱۰۰ گرم

پنج سیرم محلول کلسترین بطور ذیل

کلسترین بن ۱۰ گرم

آب جوی شیده ۱۰۰ گرم

فصل دهم و بیستم

۱۲

شیشم و بیست و پنجم که در روستای زباد معلومست
و عبارتست از ممالی از بواکس در کلبسرن و نسخه آن از

قرار ذیلست

بواکس

۳۸ کرام

کلبسرن خالص ۴۶

۴۲ کرم

اب مقطر

۴۰ کرم

زَرْفِ حُجْرَتِ حَيَوَانِ

۱۵

و خود این شرط بندرت حاصل میشود و انتقال خون
 باین واسطه بسیار مشکلست لهذا مقصود اول از این عمل
 که فوت دادن تا توان و ستفادادن مرخص و مرمت خون
 هد رفته و فاسد شده است بندن و بستر میشود یعنی
 نجات دادن از مرگ و ناپی زاکر بواسطه سقط یا پیراز و ^{ضع}
 حمل یا علت دیگر خون فی اندازه از آنها خارج میشود و
 شخصی که بواسطه عمل جراحی یا سبب دیگر نزف الدم فراوان
 در آن عارض ^{میشود} در صورتیکه مقدار آن خون که بر او نازل
 وزن تمام بدن حیوان نباشد خارج شود حکما مهلك است
 در اینصورت لازمست که خون انسان دیگر را داخل
 بدن مرخص نمایند که عیاش و زاینات دهند چون بجای
 خون خارج شده خون شخص زنده از همان نوع داخل
 نموده اند ولی در صورتیکه فرض نمائیم که شخص خونیست
 هم حاضر نباشد که این مقدار زیاد خون را از او بگیرند

فصل دویتم

ع ۱

باز هم اشکالات زیاد نکرد و میباز است برای اجرای
این عمل واجب که یکدفعه ناخیزد زاننا سبب خطر است
یعنی باید اسباب انتقال خون حاضر باشد و هم چنین محلول
گرمی از غلظت که مانع اجتماع خون گردد و الا فایده که
ببینماید سهلست و هلاکت

با وجود اینهمه اشکالات ادخال خون در موانع کثیره
اسباب نجات مریض کرده است و بندرت باعث هلاکت
عطا کننده خون شده است

اغلب اوقات عمل نافض میباشد بواسطه اجتماع خون در سبب
انتقال خون و گاهی هم بواسطه داخل شدن اندک خون
منجمد شده در ورید مریض باعث هلاکت آن گردیده است
و بواسطه این مخاطرات طبایع بحال استعمال خون بدو
فیرین افتادند یعنی بعضی داخل خون خوراب خور
داخل نمودند و در مجتعالجه با سرم اینیخته بر ایشان منبأ

تذقیہ جوانی

۱۷

فقره دہم — ادر خیال خورد در صفا
چون انتقال خود در دبد شد شوار است بواسطه ناری
و غریب پیدا کردن آن در بین پنج شیخی زناده مخصوص در
زناز اطمینان این افتادند که خون را از راه دیگر داخل
در بدن نمایند لهذا پرفیک در ۲۹۷ در مقام
داخل نمودن خون در صفا برآمد

فقره سیم — ادر خیال خورد در تحت جلد
کالیت در ۲۹۵ در مقام داخل نمودن خون در رنج
زنبوری تحت جلد برآمد و چون خلیج خون بواسطه
داخل نمودن آن در صفا بنانی حاصل میشود و هم چنین
در زیر جلد که دو پانچ روز لازم است برای داخل کردن
مقدار خون لازمه باین واسطه ادر خیال خورد تحت جلد هم
بکلی مزول کرده اند ولی بعضی بخیال معالجه نو بزرگوار از
داخل کردن خون بزرگ در زیر جلد افتادند و مقصود آنها

فصل پنجم

۱۸

از این عمل اخلا کردن خون حیوانی است که از مرض سِل
مصرف است و را بدان سِلولین که با پر و اسطر حیوانا
از زه پنی سِل را بر طرف نمایند و در هر دفعه ۱۵ الی ۲۰
اگر ام خون حیوان را زرق می نمودند

فصل ششم

علاج زرق سیر (اب نخی)

علاج سیر عبارتست از زرق واد خال ز پر بملد خواه سیر
(اب نخی) حیوانات و خواه سیرم مصنوعی و خواه سیرم
صد سیم و خواه سیرم علاجی که مقصود از آن شفا دادن بعضی

امراض است

و اینطریقه را کرد و این سنوایت اجزاء اهتت پادی پیدا

نموده میتوان به مقاله عمده تقسیم نمود

مقاله اول - علاج سیرم که عبارت از زرق سیرم حیوانا

مقاله دوم - علاج سیرم که عبارت از زرق سیرم مصنوعی

زردی سر

۱۹

مقاله ششم - علاج سرمیکه عیانا از زردی سرم ضد صفوی یا علا

مقاله اولی

علاج سرمیکه زردی سرم حیوانان است

قبل از گفتگوی از زردی سرم حیوانات باید دانست که این زردی

علاج سرمی صورت مخصوصه از علاج باز زردی خوشت خلاصه

در زردی خونی خون جامع بدن بجز زردی میبودند و

اینکه در علاج سرمی همان آب خون فقط زردی منهایند

و بطور اختصار بیان میفایم که سرم (اب خون) عبارت

از اینست که اگر خون را بحالت خود واکذارند تغییر حالت نمود

و ماده نرم مایعی میشود و رفته رفته متماجد شده بدینجهت

جدا گانه میشود یکی رطوبت و یکی زرد رنگی است که از

سرم خون نامند و غیر از فیبرین و کلبولهای خون دارای

تمام مواد و املاح ترکیب کننده خوشت و دیگری حجم غلیظ

فرم زرد رنگی است که از ارغوه خون نامند مرکب است از فیبرین

فصل سیم

۲۰

خون که منجز کرده اند و کلبولهای موزن را در بردارد
پس سرم خون که مرکبست از تمام مواد اجزاء خون غیر از فیبرین
و کلبولها مابقی است لزج و کهربائی رنگ در آب فرو مرنگ
در کار و زرد رنگ است در انسان و عموماً از لاله کاه
هم کدر و یاسری رنگست در حیوانات فریه و باشم
سرم دارای اجزاء ذیلست

(۱) آب ۹۰ تا ۹۲ در ۱۰۰

(۲) مواد شبیه بیاخضالمی مخصوصیست که ماده نیست
بسیافته نم

(۳) مواد پر نیپاک عده است (پاراکلوبولین و
کازین و فیبرین محلول و پپین)

(۴) مواد مدفوعه (دسومت و کلوکوز و الکلی و اوریو)

کرایین و اکزانین و سارسین و خلیسین و غیره)

(۵) املاح معدنی (کلر و زرد و سود پوم و کلر و زرد)

زَرْقُ سِرْمِ

۴۱

وَبِیْ كَرِیْنَاتٍ دُوسُودِ یَوْمٍ وَفَسْفَافٍ یُرِیْ نَارَ بَیْكٍ دُوسُودِ
وَكَالِ یَوْمِ وَمَا یَنْ یَوْمِ

زرق سیرم خون که در ۲۹۵ امر پس قاهر از این
نمود در ۳۰۲ اولاً شیامرل بر پیش و بعد جمع دیگر

از استعمال نمودند و عقیده این اشخاص این بود که مسک

و بزیمرض نو بر کول مبتلا میشوند و اگر سیرم خون اینچوانا

را که ضد بائس^ضل است گرفته و زرق نمایند در زتر جلد

اشخاص که مبتلا بمرض نو بر کولند حیوانات ذره بینی نو بر کول^{لرا}

خراب نموده و شخص از این مرض نجات مییابد در این باب

بعضی ملاحظات عمومی است که نباید آنها را فراموش نمود

فدا^{مک} مذک که از حیوان مصوز است از فلان مرض رست^{رست}

درج این حیوان بخوری نباشد که مبتلای بان مرض نشود^{بغ}

اینچوانات در مقابل این مرض بالطبع محفوظ و مصون^{مستند}

و اینچوانا^{نات} که بالطبع از فلان و فلان مرض مصونند در

فَصْلٌ فِي

۲۲

خُزَانِهَا مَادَّةَ اِسْتِزْجَادِ نَاكَرِيَّاتٍ وَبَا اِنْفَا بِرَابِرِيَّيْنِ
بَلَكِهٖ مَوَادَّ عَفْوِي حَاصِلَةٌ اَز اِنْفَا بِكِرِيَّاتِ مَرَضِي اَخْرَابِ وَ
اِز مَبْنَا بِد

بِنَا بِرَعْفِدِهٖ اِيَكِهٖ مَقْبُولِ اِطْبَايِ خَالِطِهٖ اِسْتِزْجَادِ رَابِ بِمَنَافِ
مَصُونِ نَمُودَنِ جَوَانَاتِ مَبْنُوَانِ بِشِ كِرِيَّاتِ نَمُودَنِ اِسْتِفَادِ
اِمْرَاضِ عَفْوِيَّتِهٖ رَا بِوَا سَطَرِ سَمِ جَوَانَا بِسَكِهٖ مَصُونِ اَز مَرَضِ
مَقْبُولِي هِسْتَنَدِ وَ جِنَا بِجَهٗ ذَكَرِ جَوَانَا بِوَا سَطَرِ سَمِ جَوَانَا
كَ بِطَوْرِ مَصْنُوعِ اَز فِلَازِنِ وَ فِلَازِنِ سَمِ مَنَافِ كِرِيَّاتِ بِدِهٖ اِنْدِ

بِيَهْرَنَكِ در ۱۳۰۶ و اَكَا نَا دَر ۱۳۰۸ اَقْدَامِ دَر

مَعَالِجَهٗ شَامِرِيْنِ (جَمْعِ) نَمُودَنَدِ بِوَا سَطَرِ زَرِيْ

نَمُودَنَدِ رَجَوَانَاتِ (خَرَكُوشِ وَ مَوْشِ وَ كَبَايِ) سِرْمِ

خَوِ خَرَكُوشِ سَفِيْدِ وَ وَزْغِ وَ سَلَتِ رَا كَرِ بِالطَّيْمِ مَبْنُونِ

اَز اِيْمَرَضِنْدِ وَ لِي بَرُوْدِي مُلْتَفِتِ مَشْدَنَدِ كَرِ وَ جَوَانَا

یا کز روی سرم حیوانانیتکه بالطبع مَجْبُونَتند و قواید یکدیگر نیستند
 است نمیتواند عمومیت پیدا نماید و چنانچه بدست این اثرها
 فارد به ضرر ناک برودی متکث شد که سرم حیوانانیت که
 (موش و موش سفید و سگ) با مرفوع بقری ضدیت
 طبیعی دارند نمیتواند مانع رفتار این مرض شود ولی هرگاه
 خون این حیوانات را مَصْنُوعاً مَصُون نمائند بطور یقین
 در شفای مرض بقری نتیجه صحیح میدهد

و از ملاحظه این امتحانات جدیده معالجه فلان و فلان ^ض
 بواسطه زرق سرم حیوانانیتکه بالطبع مَصُون از این امر ^{ضند}
 مزوک گردید و امر مذکور برای علاج این امراض غلط نیست
 حیوانانیتکه مَصْنُوعاً از مَصُون از این امراض نموده اند ^ل
 نمائند و در محبت کنگوی از قسم سوم علاج نایسرم
 رجوع باید طلب نماییم یعنی زرق سرم ضد سمی نایعلاج

مقاله دوازدهم



فصل سیم

۴۴

در علاج با سرم که عبارت است از زرق سرم مصنوعی
فصل اول ادخال سرمهای مصنوعی را آورده است
- این عمل مخصوصاً در و با استعمال می‌شود
فصل دوم و هم ادخال سرمهای مصنوعی در منافذ است که
بندرت معمول است

فصل سیم - ادخال سرمهای مصنوعی در زهر جلد
در فراق - کانی - در علاج و با انزای بکار
بود و بعضی از ادراغ زرق الدم و جمیع دیگر را مراض^۲ عمو^۲
بجایال شست و شو به خور استعمال نمودند و بعضی از ادراغ
ضد سیم بکار بردند

از نجار به قریب بولوی معلوم کرده است که هرگاه خون
جوانه را داخل در عروق و راز دم جوانه که از نوع دیگر
باشد نمایند خون را خالص شده شبیه به خون جوانه می‌زد و
نمیشود و کلبول خوب که داخل نموده اند بزودگی خراب می‌شود

زرق سیرم

۲۵

سهلست مقدارى از کلبول حور جوان خرد و نوايسطه
مخلوط شدن آن با خون مختلف الطبیعه نیز خراب میگردد
اما این ادخال خون بینا بده نیست زیرا که در ابتدا محرکى و
عموم بدن میباشد مریض احساس بهبودى و لذت و افزایش
قوة شرايين نمائدد و از عذ کلبول خون شخص مرده و
زیاد میگردد

چونکه خون حیوانات مطابق و مشابه خون انسان میشود
بهرایستکه در صورتیکه مقصود از ادخال خون معالجه امرى
باشد سرم مصنوعى تا که فریب باب خون حیوانات است و
نمانند و باینطور سرم مصنوعى تا بسم مقام سیرم طبیعى
سرمهای مصنوعى تا بقائى است که تفاوت فریب جزى
خون حیوانات است و ترکیبان بعضى است که پس از دخ
دوران دم کلبول خون را خراب نمیکند و اثر آن در اجزاء جا
خون مانند اثر خود خون است

فصل سیم

۲۶

و از برای سرم مصنوعی ترکیبات مختلفه اختراع نموده اند که
هر یک از آنها مناسب تر است با موضوعی که سر مراد داخل در آن
میخواهند

ادخال سرم مصنوعی پرفماتند اذخال خون از راه اوردن
و از صفای و از زهر جلد متحولست

فصل چهارم

انفعال و ادخال سرم مصنوعی را آورده است

این عمل را جمع کبیری از اطباء در معالجه و با استعمال

نموده اند و هاینر در ۲۰۳۱ یک قسم سرم مصنوعی

در علاج و با استعمال نمود که ترکیبات آن از این قرار است

کلرور سدیم سولفات سدیم اب مقطر

مقصود این طبیب از ادخال این سرم این بود که چون

در مرض بابواسطرخروج اب خون بدن با استعمال و قی خون

غلظت کرده بدهد که خون از حرکت و گردش باز میماند

زَرْقِ سِرِّ

۲۱۰

و از زرق با سرم مصنوعی خون غلیظ را قوی کرد بدو
دو باره کردش پس باید ولی این عمل کبر معمول است چونکه
اسباب زرق و سایر لوازمات آن را برای همه کس و در هر
وقت و هر جا میسر نیست عمل آنهم بسیار مشکلست و
زباد لازم دارد

فَسِیْمِرِ دُکُنْ

ادخال سرم مصنوعی در صفا و است
چونکه ادخال سرم مصنوعی را آورده بواسطه صغرو
ناپیدائی آنها مشکل است یعنی اندام با ادخال از در صفاق
نمودند ولی این عمل بندهست معمول
فَسِیْمِرِ سَبُونْ

ادخال سرم مصنوعی در تحت بطن است
کاشانی که از اهل ناپلین است از کسب که در ۱۲۸۳
سرم مصنوعی را در معالجه مرض و بادا داخل در زیر بطن

فصل بیستم

۲۸

نمود باینطور که چندین لبر (هزار گریست) از محلول
کار و رد سوپوم ۴ در هزار و کرنیات دو سو سو
هزار در سیج زنبوری تحت جلد زرق می نمود و اینطریقه
که هم سهل و هم بی خطر است نتایج بنکو می بخشید

بسیاری از اطباء زرق تحت جلدی سرم مصغور با بون
انتقال خون استعمال نموده اند در زرق الدمهای شدید
و در زرق جلد این محلول را زرق می نمودند کار و رد سوپوم
عکرام

اب مقطر
... اکرام

و این محلول نمکی مانند داخل مژون خون مقدار خون را بقدر
منظور زیاد و منظومه عصبی مرکز پیرامون می نماید
و عمل قلب را احیا و گردش خون را سهل و علامت غشی را رفع
میشود و بعضی برای شست و شوی خون در امراض عقوی
و در مسمومیت و حمله مطبفه و او زرقی که پیدا شدن
او در خون است مقدار زیادی از محلول کار و رد سوپوم

در فی سر

۲۹

در زیر جلد زرق می نمودند

و مقدار داخل کردن سرم مصنوعی در تحت جلد کافی تا

سرم لبر بود و بجای سرم محلول کلرورد سوپوم را

شش و ده هزار انتخاب نمودند

شیرین میگوید که زرق تحت جلد سرم با مقدار مضبوط

لازم نیست بلکه در صورتیکه سرم را غلیظ نمایند مقدار

کمتری از زرق نمایند همان خواص طبیعی دوائی را که

منظور از آنست دارد و این مطلب را بواسطه تجربه و امتحان ثابت

نموده است سرم مصنوعی شیرین عامه را است یعنی ذرا

املاح معدنی است که در سرم خون محلول و موجودند

و بعلاوه در این سرم غلیظ شده مقدار املاح معدنی

بیشتر از آنست که در سرم خوراکی است

و نسخه سرم مصنوعی شیرین مرکبت از اجزاء ذیل

کلرورد سوپوم سولفات دوسو فسفات دوسو
۲ گرام ۴ گرام ۴ گرام

فصل سیم

۳۵

اسید فنیک برقی آب عطر
 و در این مقام صرف نظر می نمایم از ذکر طرز ساختن و حفظ
 این سرم و هم چنین از درجه حرارت این سرم در وقت زرق
 نمودن و مقدار بر منقاعه زرق آن (مقدار کم آن
 ۵ تا ۱۰ کرام و متوسط ۱۵ تا ۳۰ کرام و مقدار زیاد آن
 ۶۰ تا ۱۲۰ کرام است) و موضعی از بدن را که باید برای زرق
 این سرم انتخاب نمود و اسبابیکه از برای این عمل لازمست
 و در طرف و اطوار مختلفه که معمول هر یک از اطباء است و همچنین
 گفتگو نمایم از آثاریکه در موضع یاد مزاج بواسطه زرق این
 سرم حاصل میشود بلکه همین فعل میگوئیم که شرایط و شرایطی
 این زرق و ادخال سرم متعدد و مختلفست و میتوان از ابار حجام
 تمام زرق نمود در کم فوئی و اسرخی شهرن و در فلت خون
 و در ضعف منظومه عصبی و در بطور نغذیه (و از برای مفر
 نام و تمام این مسائل باید بر مسائل عدید مخصوصه که در جمیع

در زرق و سرفه

۳۱

رجوع نمود چنانکه ذکر اینطالع بنفصیل خارج از وضع این
رساله مختصر است

مجموعه کتب طب

علاج سر و کمریت از سن از زرق و سرفه ای منقح شود چنانچه
فرابادینی در دوا فی در کف کوبی از سن اول از علاج نیز که
عبارت از زرق و سرفه ای حیوانیست ذکر نمودیم که بشا
بر مسئله که امر زرق و سرفه ای حیوانی در سرفه شدن مضمون اطمینان
کردیده است میتوان امراض عفونی را پیش گرفتن و معالجه
نمود بواسطه سرم حیوانی که از این امراض سرفه و سعال
و سرفه ای اولی بواسطه سرم حیوانی که از این امراض سرفه و سعال
و سرفه ای این امراض عفونی و سرفه ای

و سرفه ای حیوانی که منقح شود بواسطه سرفه ای
شدن باین امراض عفونی و سرفه ای بخات داد در سرفه
دبرم ضد سرفه و این سرم هم جلوی کوبی از مرض سرفه ای هم

نافع و علاج و دواى مرض است يعنى هم نمکدارد که شخص مبتلاى بمرض شود و در صوت مبتلا هم شخص نجات از مرگ

عبدالرحمن

و این بر مهای ضد و ضعیفی که عموماً سرم فرا باد بینی اند
بمخاط علی و علی اهسته باد پیدا نموده اند و در قبل از بنا
انها بهتر است که اسامی و اسماء را تا بیکر ایند ذکر کتب طری
و دوا سازی با آنها داده شده است ذکر نماییم مانند
و بزرگوار و بزرگوار و بزرگوار و بزرگوار و بزرگوار
باد بینی و سایر سوالات مشابه که میتوانند رسا کرده
و در علاج امراض مزمنه استعمال شوند

امراض مسریه بآء فونی تبارند از امراضی که بواسطه
فُحُول غایب تولید کنند مرض در بدن مانند یکی از امور ما
انرا فاسد و منتقض مینماید

ابن عامر مولد المرضي ذاكه وپرويش و سرابست دشت ارغوي

ذکر فی سیر

۳۳

نامند سابق بر این ناعملوم بود ولی امروزه پس از آنکه
پایبشتر میدانند که اینعامل میبود نیست زنده و میگرد
مواد المرضی که در حفظ خود آن مضرت است بلکه در داخله

موادیکه ترشح مییابد مضرت است و اینمواد مندرج شده
قائمست که اگر تاکنون این نامند و این تکرار مییابد

بزرگها را سه و مائت میگرد و بی نامند داخل و مندر
زیادی از ترکیب در وسعها است بسیار منعقدند و بی

معین شده اند در حفظ از حیث منشأ و از حیث ^{که بسیار} ~~بسیار~~

بلکه از حیث فعل انواء و حیوانات و در آنست از حیث

تکرار این نو بر کولرا میباشند (یعنی کولرا این
کولرا) و تکرار همیشه اسب (عالمین کولرا)

و تکرار کولرا و تکرار بی نظری

و اینار و ابط مابین حیوانات میگرد و بی و این حیوانات

مخصوصا باط مابین در زمین نموده اند جمع کولرا

نوع اول

نم

در مجاری امتحانات و تحقیقات که در این باب نموده اند
و صائب کثیر بطبع رسانیده اند که ذکر آنها با غایت
و خارج از وضع این چیزه است ولی امتحانات را که در
مرض دیفتری نموده اند بطریق خاص ذکر نمایم چونکه
میشود آنرا علاج نمود با افلا مقدر از زیاد و از اطفال
بمسلاهی با مرض مملک را نجات داد

نوع اول

مرض دیفتری

دیفتری از امراض عفونی است که هر کس مبتلا شود
امراض خطرناک است و شناخته میشود بواسطه بروز
غشاء کاذبی که عوام آنرا پرده و پوست سفید مگویند
و در تنگ این غشاء محصور پنج کاو باشد از درد کتبی
با پرده مگویند و در صورتیکه این پرده سفید و خیره
بجای نفس بروز نماید از احتیاط مگویند

در بیان دیناری

۳۴

مدت مدیدی عقیقه الهی این بود که دیناری مرده
موضع و برای علاج آن همه قسم نذایر واد و غیره
استعمال نمودند مانند شستن و مالیدن دارا شکوه
و نیز محلول اسپند قنک و غیره و غیره

و گاهی هم که مرخص شفا یافته از ازار اژدر و اسپند
و حال اینکه هیچگونه نذایر واد و به در رفع این مرض
نبود

در ۱۳۰۱ کلیت نام و در ۱۳۰۱ لفیل نام و پیدا
که علت مرض دیناری مکر و بیست که باعث نویسد نشاء
کا ذبیت و این مکر را با سپرد دیناری نامیدند با بابل
کلیت لفیل با اسم ایند نفر حکیمیکه از آکسفوندند
و این مکر بهادر و قنک نمود و نوالد می نمایند و
که موسوم به نکیر اینک ترشح می نمایند که زهر شمشاد
حقیقی است و تمام بدن و مزاج را فاسد میکند و مخصوص

فروع اقلک

ع ۳

علاک مینماید

و قُرُق و این سکن مکررهای بفری زاد را بگوشت
کاشته و مقدار فراوانی از این گشت زرغ و از نبط داده
پس از آنکه از آن گشتی میخاکسارند عبور داده و صاعزده
مانع شود تا اگر گشته در حیوانات (حرکوش سکن و میوه)
زرق نمودند و در این حیوانات بفری و افیر اصیل نمودند
بفری و این حیوانات تمام این گشت حاصل از با سبیل بفری
نمایند بر آن بود پس بفری معلوم شد که گشت مرغان این تم
و این بفری است که در همه جا با سبیل بفری
ساخته شد است

و کلبه چون هر بفری و بفری و بفری و بفری و بفری
در آنوقت در مقام این مطالب میماند که بفری و بفری
بفری پیدا نمایند و فرایند بفری و بفری و بفری
و این سکن ملکت شدند که بفری و بفری و بفری

سیر حیل و پیری

۳۷

یعنی حیوانات را از پیری معاف نمود در صورتیکه همه روز
مقداری از محصول زرع با سبیل کلب افکند و زانها
ز رفته بمانند و بدین حیوان بند ریج عادت یابن بتم صفا
مانند اشخاصیکه بند ریج استعمال نریاک و الکل و توبان
را باندازه می رسانند که در شخص غیر عادی میسر است پس از آن
سرفی بزودی حیوانات را انداخته نمود با بنظر که غلطی
از تکرین و بد مقدار میسر آوی و زانها ز رفته نمود و
انها را در چند روز عادی یابن بتم صفا و حیواناتیکه
با بنظر رنجه شده بودند بکمال معاف طراوت بتم صفا
میگردیدند و محال بود که آنها را بد پیری مبتلا نمایند
ولی واضح است که چند هفته لازمست برای اینکه حالت
ضد رخن حاصل شود و در اشخاص مبتلای بد پیری
هم که این ملت مکر نیست و بواسطه بدو، اینطریق
قادر و ثمری در مبتلایان بد پیری ندارد و در وقتیکه

فَواعِ آفَاقِ

۳۸

اها ما پوس از این طرفه کردید و صرف نظر از آن نمودند
 مَسْجُودٌ لِّهِمْ قِلَّتْ وَكَسِبُوا زِلَافِي اِغْلَانٍ نُّودٌ كَرِهَ
 حیوان را از دین فیزی قعاف نمایند و بعد از کافی سرم
 زرق و جوارح بک نمایند تا اینکه از امپوان قعاف نمود
 بلکه از امپوان شفا دار پس سرم حیوانا بنگه یا بطور تبلیغ
 سده اند خاصیت زنیان نکرین دارد و هرگاه از اغلو
 نمایند با سرم دین فیزی (با نکرین گاشته شده) خواه
 صرف و خواه در انساج حیوان مانع اثر نکرین میشود
 و از ابکلی به اثر میباشد

در پیش و هیزیکو مر و بیاری از اطباء دیگر
 تجارب کثیره در حیوانات نمودند و حاصل تجارب ایشان
 این شد که سرم زنیان است که سرعت تمام اثر میکند
 اشخاص که بواسطه اسید دین فیزی مسموم گردیده اند
 و از برای دفع و رفع مرض و ناسه مرینه زرقی میشود



صنایع کزین بمقدار کافی مجربست و بهر نیک و بیمار از
در بر این در جوانان بنده قبل از وقت بواسطه تلفیح
معاف از مرض گردیده بودند و فایده ^{نحوه} غالبه بدست آوردند
و پس از اطمینان از امتحان در حیوانات شروع با امتحان در
انسان نمودند و مقدار تلفات اطفال از خفایا را که در مرضی
شصت نفر بود به ۲۸ نفر تنزل دادند یعنی نصف تلفات
را از این بلا ی مهربانانه دادند که با هر قسم عیال جان دیگر
هلاک نمیشدند پس محققاً علاج سرری طریقه بسیار خوب
در معالجه دینفزی

ولی این امتحانات اولیه بهر نیک که متذکر این نظر بفرماید
بر این بنظر اطمینان جلوه ننمود و عقیده اطباء مردد ماند
چون علاج و تدبیر و واسطه از هر صد نفری پنجاه نفر را
سفا و نجات دهد از جمله علاج مخصوص در هر هفتاد
میشود

نورانی

و در هشتم آنچرا حفظ صحتی بین الملل کرد در شهر بویین
 (هنگری) در دویم ناهشتم ماه خفرب ۳۰۰ م
 منعقد کرد بدینوسیله که در هر یک از این عفا بد علما
 فیزولوژی و طب را نمود و علت علت اثر یکی بر دیگری
 از علاج را مدلل نمود و ثابت کرد که بنا بر استخوانهاست که در
 باز پس در بعضی خانه اطفال مریض با بعضی از اطباء دیگر
 در مدت سه ماه در ۸۴ م خردین نموده است علت
 تلفات در هر صد نفر ۲۷ نفر بوده است یعنی در هر صد
 نفر یک نفر که به این علت حاصل کرده است و در هر یک ثابت
 کرده است که در دین فیزی خالص در رختان خالص
 با ترکیب با سایر امور دیگر بهر م غوث تمام دارد و تلفات
 در هر صد نفری که تقریباً بوده است پس این امر بیهوده است
 باین مطلق علاج مخصوص مرض است و در هر یک
 مرض مرکب بوده است و این مرکب در دین فیزی مرکب است

مختصر فی طب

۱۴۲

دیگر غلاوط و ملخی بوده است و سستی که ترشح نموده اند بواسطه
صفت ستم و بصری بکلی خراب بی اثره که در بدن است و بسیار
از اطفالی که مبتلای بخنثی گردیده اند و بهمانوقت که
بمرض سرخجه یا خنثی یا نو بر کول و باز است از پاره و این
ازد بصری هلاک نگردد بده اند بلکه امراض دیگر است که
با آن همراه بوده اند پس باید بدون تردید گفت که در
که امراض دیگر باعث هلاکت مریض میشوند و از هیچ سستی
خبر نیست بدین گفتگو است

برای حالتی که اینطور باشد میتوانند مثل اسهال برزک نمایند و
و کثرت بنکوی رقیق و بوی زشت اسهال و شک و هجاء
حکما و طببا و خبرت بواعث و عوام که در بدن است
مختصرا استعمال عوارض با سرم و متعاقبا بیکدیگر بدهند اینک میتوان
بر واسطه ذرق سرمی که از ایشان بانی نکشند بپوشانده باشند
و بپوشانند بر اثر خرابی بی اثر نمایند



فوتی اول

۴۴

و چون آفتاب سر مُ صند تکرین را از آنها میگیرند مضاف
مخفوط از د بقری میباشد یعنی عادی تکرین د بقری
شده اند پس ناچاراً چند کلمه در ساختن این تکرین بنیان

مینمایم

صیف اول

ساختن تکرین پیش بقری و پس از بقری
برای ساختن تکرین باید با سبیل د بقری زاد را بکوشه
سپین داری داخل نمود و از آن در ظرف کم عمق بپاشند
و از آن ها از کسوده در هوای مرطوبی بگذارند و پس از
هفته یا یک ماه بعدی تکرین در آن بعمل میاید که میتوان
از استعمال نمود و در ایستاد باید اینرکشت و زرع با بجا
رسیده را صاف نمود یعنی ابکوشت تکرین دار را از صاف
شیا میرانند گذاریند بطوریکه بجای از میگیرند غاری
و خالی شود و باینطور تکرین فایع خالی و زیلا میگیرند

بیش از صد بیماری

در علم

و از آن در صرف مملود هاز بینه و محفوظ از روشنائی
و در حرارت متعارف ضبط مینمایند

بیش از آنکه تکرین را با کمربند محصل نمودند باید حیوان را برای
که سرم را با آنها اخذ میشود معاف نمایند ولی باید شروع نمود
با اینکه تکرین را که فوت نمود بطوریکه علامت خطر و غار
چون آن شود و بجهت این خطاب بفرستند تا جمیع منابع دکن
گیرا شود و از داخل و مخرج باز مینمایند که نسخه از این
فرار است

بدرمان اکرام بد و رد و بلیق اکرام این مصلحت
و در اسب که حیوانی است که ساز میشود با شیخ مشار
نمیشود از دیویری مقدار کمی تکرین بد و از زرد میسازند
و بند ریج روز بروز مقدار آنرا زیاد مینمایند برای
مهیبت نمودن آستی که بنوار با ناز علفی سرم مفیدتر از آن
گرفته شود سه ماه زرق پی در پی کار مست خواهد بود

فَوَحِ ارْزَاكَ

ص ۱۴

روزه و خواره بقاعده هائی که و بخانی میرسد که در این
اسب میتوان در یک دفعه تا ۲۵۰ صد مظهر مکتب نگزین
فدق نمود

و پنجه بعد از سه ماه و ذاج از اسب فصد میکنند و
او را جرمه و ده در موضع خنکی میگذارند و برآنها جزاء جامه ^{خون}
جدا کرده و این سرم را گرفته در فلاکهای (شکافه)
بلور مله (رکلو بار یکست) عظیم شده ضبط نمایند
باید فلاکن محلی باشد در آن قطعه کوچکی از کافور بگذارد
و هر اسب معاف شده را میتوان تا یک مرتبه فصد نمود
و میتوان چهار بار نیز خود از آن گرفت که بچیناد و لیکن
ضمیمه نگزین بدست میباشد

چنانچه ذکر شد تگزی را که با این مله در داخل در بزرگ
نمایند بر اسطرسلو لها را اسب بسته و در آنرا همیشه
و اسب در داخل سلولهای خود بنشیند و بزرگتر بنشیند و

فریاد یعنی ستم مُبَدَل میشود بنیای و تکرین دِ بَغْری
بمُتَد تکرین دِ بَغْری و زهر دِ بَغْری بد و اگر باید ازاد
رفع و علاج دِ بَغْری است بحال نمود و اینست که عُسْبُو
کُزُیْل در جِلْد از السُّورای فرانس که عیسوی بد که این
علاج اگر از جِلْد به جِرَات نتوان شیرد باید از از جِلْد عَمَل
و از جِلْد اَعْمَال بسیار نافع دانست

صنعتی و مالی

فَتَجِدُ كَثِيرًا مِّنْ ذُرِّيَّتِكُمْ أَفْكَارًا
عَلَىٰ أَعْنَاقِهِمْ أَثْمَانُ ذُرِّيَّةٍ مِّنْ نَّسَاءِ كَذِبِكَ إِذَا
دُفِنُوا فَمِنْهُمْ مُّوَدَّهٌ أُنْذِرْهُمْ عَصْفًا حِينًا طَارِثًا
دَرْجًا حِينًا مَّوَدَّةٍ مِّنْ ذُرِّيَّتِكُمْ وَرَبِّكَ مُوَدِّدٌ
مِّنْ ذُرِّيَّتِكُمْ

عَلَمِ دُرِّ وُجْهِهِ — کاشتن انمشبه کاذبه بابر شارب حشره
دبشتران در روی ارم و افشار ذره بپنی تمویلات گشت



فروع اول

۴۴

د زرعی - اینست از قوم عبارتند از چها هکدام
 و اینست از قوم - نهی لوله هکدام که برای کاشتن
 با زرع است - و اول کشت زرع است سرم خون کا و با
 سرم خون که در هکدام - طرف و هکدام در هکدام سرم
 و اینست از قوم - و اینست از قوم است در کامل و نیک
 و اینست از قوم - و اینست از قوم (و اینست از قوم)
 طرفه که اینست است تا اینست که اینست که سرم
 هکدام که سرم تا اینست که اینست که سرم
 نمودن هکدام به سرم نمود (و اینست از قوم) طرفه که اینست
 و اینست از سرم تا اینست که اینست که سرم
 و اینست از سرم - و اینست از سرم که در هکدام سرم
 اینست از سرم لازمست - و اینست از سرم نمودن سرم
 و اینست که اینست که اینست که اینست که سرم
 شود

وَمِنْكُمْ كُنُوزٌ خَيْرٌ - کاشتن تخم در بولهای سیرم دارم که
برای ایشان ناکار بهر است و احیانا طایفه که در این گشت
و زور کار نیست

وَمِنْكُمْ كُنُوزٌ خَيْرٌ - اینها از همسر گشت باقیمانده فقط
وَمِنْكُمْ كُنُوزٌ خَيْرٌ - اینها از همسر گشت باقیمانده فقط
وَقَبِيلٌ فَطَاعَتٌ دَرْهَمٌ وَصَوْتُ

را بزرگ که بایرد و اسازد و ایشان ناکار بهر است
افکار غلبه قبل از استعمال سیرم فرا باد یعنی در مخرج و بفرست
قبل از همه چرخه از دست شخص از و شناختن با سیرم و بفرست
(با سیرم کلبه ایست) و ملاحظه شد در وجوه و عده
میکرند تا اینکه اغلب فلان و عده و بر این با سیرم بفرست
بسیار است و اسازد این را و کو کو سر و بفرست
و در اینها این شخص بفرست این عمل لازم است که من بفرست

ذکر میخانیم



نوع اول

۴۸

در نو پورک قدر بسیار بیاد شهرهای آناز و نه
 دوا سازان میسر میگردد برای کاشتن است حاضر و آماده خانه
 یعنی میسر میگردد که برای کاشتن میسرهای اغشبه کاذبه یا
 ترشها بنگه آنها را دینگری فرض نموده اند در وقتیکه
 طبیب کار میباید که شخصی مبتلای دینگری کرد بداند
 میفرستند از دوا سازی و لوله زراعت و یک مقول
 پلازین (طلای سفید) که لازمست برای تخم کبری میبرد
 و پس از آنکه تخم را در لوله ها کاشت فوراً آنها را بترد و آنها
 میفرستند که آنها هم باید آنها را فوراً با داره مرکز حفظ
 میفرستند که ۴۴ ساعت بعد از دریافت آنها در دو
 لوله وجود و عدم میگرداند و مرضی را بپختن برای طبیب
 معاونت میدهد

در پیکار قبل وزارت اداره بلدیه پاریس ده هزار تومان
 مجانی برای ایجاد محلی که لازمست برای اجتماع اجراء و طبیب

لازمه امتیانات محمولات دیفتری و رئیس این از آن
 هیچکس نشد که در شناسائی و اعمال حیوانات ذره بینی
 امر و زبی نظیر است پس از آنکه این حکیم دانشمند مدد و
 تمام در امر یک تحقیقات و واریسی با دارات مطالب متعلقه
 بحیوانات ذره بینی و غیره نموده در جنب هئیات پو
 معانی بر نیا نمود از برای امتحان مطالبی که اجتناب برای تشخیص
 امراض عفونی با آنجا میفرستادند و خبر هیچ نا آنها میسر شد
 این خدمت جدید نه فقط برای تحقیق وجود و عدم تأیید
 لایزال بود که در روز و جوینان بدل اند و سرور
 معلوم شد بلکه در مرصنا پیشکه فرستاده یافته بودند این
 بواسطه تلفیح ثابت می نمود که آنها طی تحقیق شفا یافته
 اند و هنوز محل احتیاط و خطرند و رسانند جدید
 این باب چه در فراسه و چه در ممالک خارجه بطبع رسد
 و مدلل نمودند که اغلب اوقات در مبتلایان بدی

برای شادی روان مرحوم حجة الاسلام

حاج شیخ ابوجعفر مجتهد کرمانی

وقف آقا در حضرت ابی طالب علوم دینی

کردید

۵۰

سم نوشی عزیزین مدت پانزده روز با سه هفته باقی
و کانی با سبیل افیل باقی است ولی خطر از داخل کرده
لهذا امتحان با کز و شناسی را از حدیث پیش گیری این
مد موصیبت مهلك واجب استند که بواسطه این معنی
طریقه جدیده قهزار تلفات از فی الواقع بسیار کرده
ولی سزا است آن بهمان نحو که در ابتدا بوده است هنوز باقی
بسیار باید این نکته را در نظر داشت و از لازم دانسته که
در اشخاص مبتلای بد بفری باید پس از بهبودی یافتن
امتحانات با کز بولوری نمود و اطباء تمام حاصل نمود که
دیگر هیچ وجه صکریب و بفری در بد را باقی نمانده است
والا اگر چه خود او بخات بافته است ولی بابت سزا است
ما او است و باعث هلاکت دیگران میشود و باین و نشانه
خوب است اشخاص اطفال مبتلا شده و شفا یافته را در هیچیک
از ادارات دولتی و عیانی و مدار سروز و کتابخانه

توضیح در بیان معنی

۵۱

جائ و فتن و غیره ازین دخول ندهند مگر اجازه ناچیه
 بانصد بنامه برپاکی خود از جانب اداره بلدیه که مخصوص
 اینکار است در دست اشته باشد و طرز رفتار اینچند
 جدید با اینطور است که در وقتیکه طبیب و ربکی از مرصفا
 خود احتمال دیندی و ادباید فوراً در رفه کافذی اسم
 مرصفا و منزل او را بنویسد بنویسد یکی از بستگان مرصفا
 یا شخص دیگر هر که باشد با اداره که از برای امثال ذریه
 اینصمل برپا شده است بفرستند و از آنجا یکجبهه فلزیه
 که قبل از وقت عقیق کرده بده و در آن استخوان اول (مرصفا)
 برزکی و دولوله با سیم عقیق شده و یک بولنه محضر شده
 و در آن بینه دیگر برای اینکه در صوت استخوان است
 کاذب را در آن بگذارند و دولوله دیگر که در آن
 کلاه پنبه در سر میل فلزی نصب است آنها را برپا
 با خط محضر بر سر اند و بعد از آن در جبهه فلزیه و رفه



نوع اول

در هر فرد فشار و دسوسورال و بکوز و قزد بکراست کما
 و بیه و ناخا اسم و منزل خود و اسم و منزل و سن و مریض

خود و اینو پسند

و اگر منظور از امتحان مریض و اینام مقامت مریض باشد ^{جست}
 ذکر سن مریض و در اینصورت گرفتن مریض و کاشتن
 از نایب با کمال وقت باشد و الا ممکن است نتیجه برخلاف
 منظور باشد و در وقتیکه طبیب جزاء محوی و رجبیه را
 بخاکد رود فوراً از اباداره با کز بولودی معاودت میشود
 و در نایب رصوت متعارف هیچگاه ساعت و درصوت
 زبان بران ۴۴ است و نتیجه امتحانات بنوسط طبیب
 برای طبیب فرستاده میشود و بنوسط ملکران بکفران
 اجرتانست درصوت ضرورت نایب جواب داده ^{میشود}
 و درصوتیکه امتحان شخص نایب باشد و نایبهاست لازم باشد
 مئدسه الی چهار روز و زیاده مهلت داده میشود

سِرِّ ضَرْبِ بَغْزِی

۵۳

در فراسه و اغلب ممالک دیگر چو زده و سازان و ذهن
تحصیل و آسازنی تا کرمی شناسی را نیز تحصیل ^{بند} مینمایند
و از طرز عمل و کم و کیف اینکار اطلاع کامل دارند و هر
اسباب لوازم از امهت و اماده نموده اند پس از برای امتحان
غشاء کاذب بغزی طبیب بتواند هر یک از دو ^{دانا} را
شمر رجوع نماید و محتاج رجوع با دانه حفظ صحت نباشد
در این باب هرگاه میخواهند مشروطاً مطلع شوند باید رجوع
نمایند بر سائل مفصله که در این باب بطبع رسیده است
مختصر الیهیب بواسطه این اعمال و ترتیب معلوم ^{منها} است
که غشاء کاذب و زشتات شخصی که احتمال بغزی در آن
میرود دارای ناسیل کلیب افتر (ناسیل بغزی)
پانه و بلاوه غیر از ناسیل مخصوص بغزی ناسیلها
دیگر هم با او همراه اند پانه مانند اسیر بنو کلت
(میکرب هم) و اسنا فلوک (میکرب چرک) و

فزع اقلک

۵۴

و کور کس برهنه

و اعیان و تشخص ناگزیر بودی بسیار است از دُعمده

اقلک اعیان اغشبه کاذبه بار آید باینکه محال اعیان

دینری است با ذره بین

در دینری اغشبه کاذبه بار آید باینکه محال

احمال دینری است در ذره بین و اعیان دینری است

ذره با ذره بین بواسطه محال و با ذره بین اقلک است

که اغشبه کاذبه بار آید باینکه محال دینری را نشان

موجود و حاضر باشد و ناپدید است که در ذره بین

دینری اغشبه کاذبه بار آید باینکه محال دینری را

ببیند دینری ابراهیم به کاذبه در اجزاء مختلفه

بهم می رسد و برای اعیان ناگزیر بودی باید محسوس

و شائبه کلو را بگیرد و اعیان محسوس

پس از آنکه منشاء کاذب چنانکه بدین طریق از اقلک

در بیان حفظ و بقای

۵۵

که پیچیده و حفظ کند که بخوبی محفوظ بماند و بناید که
انوار و منابع حاققی هر چه باشد مانند آب منظر و المک
و کلبه سرین و اسافس و غیره فرو برد چون که اینها
منابع و باعث عموماً زائعات با سببهای دیگری میشوند
و حال اینکه اینها زاعث و تشخص با کربو و لوری از جمله
واجبات است

دیر از جدا شدن اغشبه کاذبه و ضبط آن در خانه گیم با
امتحان با کربو و لوری در آن نمود و این یک خواست است اگر و غلام
تجرباها شخصاً این امتحان را نماید باید اغشبه کاذبه را که باید
امتحان شود با الحیا طایفه که لازمه عمل انتشار و بزرگداشت
در یافتن که پیچیده و در لوله امتحان گذاشته و دهان آنرا
در پیچیده است و خانه نماید و در اداره چوبه و فرنگستان
از آنرا است این نوع غشبهات را بطریق ذیل مرید بخود داند
(۱) باید از آن که در دایره اغشبه است از بزرگواران آن

فَوَعِّقْ أَقْلَكَ

۵۴

مُخَوِّبِ بَصِيحَةٍ وَهَمُّ مَرْدُمُ شَدِيدٌ نَافِلٌ

(۲) پس از آنکه با اطراف از بیدار گشتن پنهان بچیده شد از راه

جعبه فلزی محکم بگذارند

(۳) خود این جعبه فلزی را نیز باید در جعبه چوبی مسدود

فرار داد

(۴) در روی جعبه باید در پهلوی اسم اداره امثال^ن نوشته

شود که این اغشبه کاذب در پیتر است

(۵) این جعبه جز با اذن بلدیه که از برای این^{معین} فصل

و معروفند بجای دیگر نباید فرستاده شود

اگر دوا ساز میخواهد شخصاً امتحان با کز پولوری نماید^{بد} باید

خود وی بچند ریبه دو عمل سابق الذکر را مجری نماید^{اولاً} و

عمل ذره بینی اغشبه کاذبه که احوال پیتری در آن میرود

ثانیاً اغشبه کاذبه با رطوبت که محل احوال^{بغیر} پیتر است

روی سرم کاشنه و مخصوصاً با ذره بینی امتحان

عَلَيْكَ - اَمِنْ اَنْ يَرَى اَعْيُنُكَ كَارِهُ

مَعْلُومٌ لَمْ يَكُنْ يَسْمَعُ

در آفتاب باید بطرز دیگر رفتار نمود یعنی نایب که زانوار نمود

و با انبری که در سطله چراغ الکلی گرفته نادران هوای

الوده بان فانی و محرف کرد و بکف طعمه از این اغشیه کاذبه

ز ابرو آشفته و در روی صفحه زجاجی چلی ذاک و غیره که قبل

از وقت آنرا با سطله چراغ الکلی عظیم نموده بمالند و بگذرانند

خشک شود یعنی شیشه را چند دفعه در روی سطله

نگاه دارند

پس از این عمل باید اغشیه را رنگ نمود یعنی مگر بهمانکه

ممکن است در این غشاء موجو نباشد رنگ نمایند و آنرا

میتوان با الوار مختلفه رنگین نمود ولی برای این عمل مخصوصا

رنگ بود مرواریدین رنجان دارد که با سطله بغیری

با آن زود زود به رنگ میشود

شیع آتک

۵۸

رنک بود و این پس حاصل میشود از مخلوط نمودن و
مخلوط بدل با هم یک ثلث از مخلوط اول که عبارتست از بنفش

در الیا الکلی و درجه ^{۱۰} آب مقطر ^۹ کبر

بلذات از مخلوط و نیم که عبارتست از سبز منیل ^{۱۰} الکلی ^۹ کبر

۹. درجه ^{۱۰} آب مقطر ^۹ کبر

و برای این تلویین باید در روی غشای بنفشه در رویش
نصب شده است چنانچه ذکر شد سه الی چهار قطره از مخلوط

فوق بچکانند و بگذارند یک دقیقه بماند بعد بملاصفت با آب

شسته که ریادی رنک برداشته شود بعد از شسته را

در رویش صفه زجاجی دیگر که موسومست بمایلی بکنند و

برای امتحان باید از کیف چینی بر روی بکار برند

هنگامیکه در اغلب اوقات با سببهای ^{بشر}

بهدری فراوانند که فوراً تشخیص داده میشوند ولی در ^{بسی}

اوقات قلیل العدد در امثال طودی با هم مجامع گشته اند

سیر چند پیر

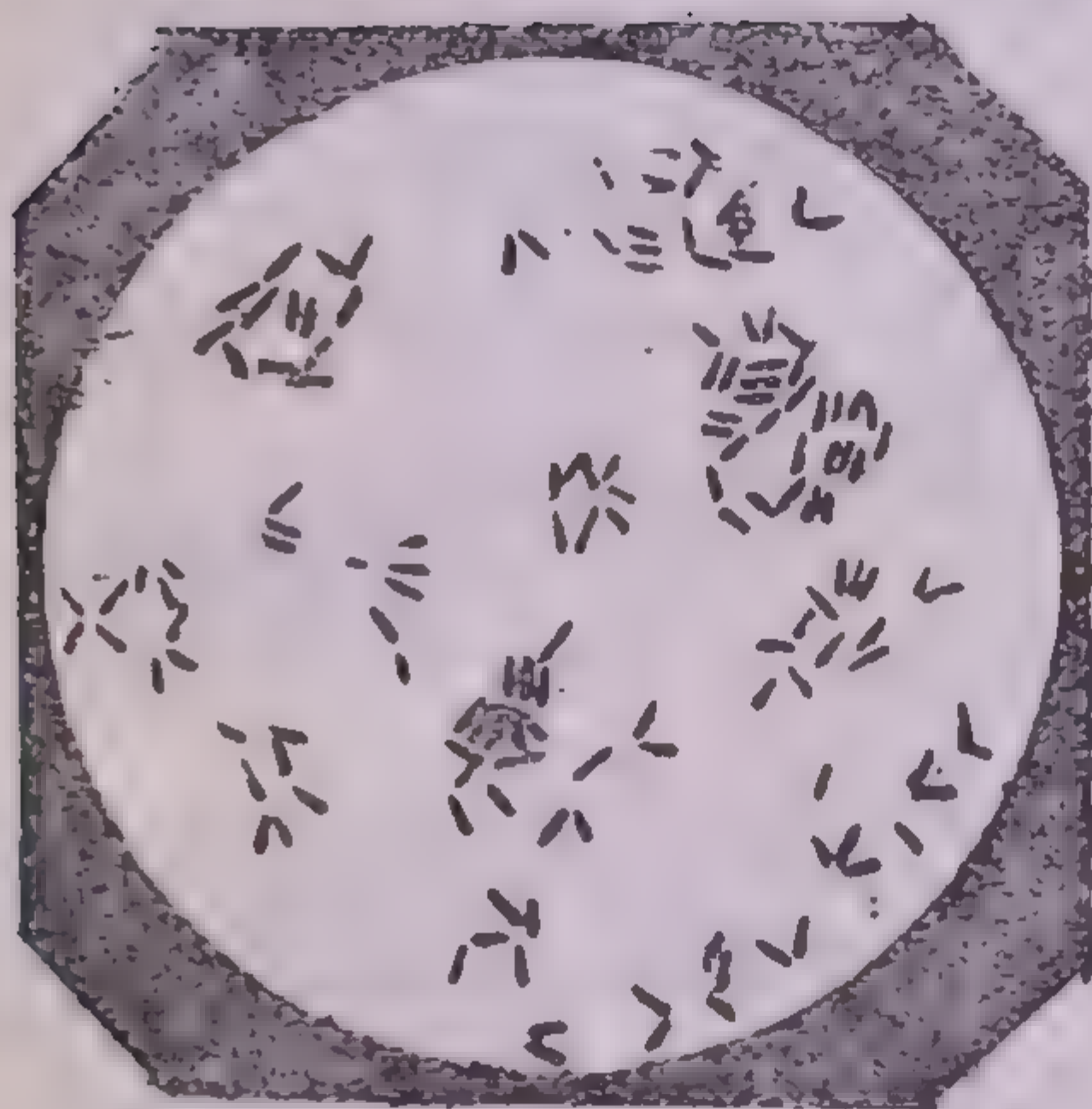
۵۹

که اگر چند پند فیه بهین طور آنها را امتحان نمایند محل تشبه
 باقی نمایند و با سبیلهای کلیل لغیر بشکل دانههای برنج
 نازیکند که طولشان دوبرابر عرض آنهاست و رؤس
 آنها قندی برآمده است و هر سه با چوبها عقد از آنها
 بهمدی بگردیده اند و غمو ماد ر بهلوی بگردیده اند
 گرفته اند و گاهی برخلاف مذکور سر پیر واقعند و در
 صورت ابدان با سبیلها در یک امتداد واقع نیستند و بعضا
 اخری طوری واقع شده اند که یکطرف آنها بهم متصل
 و دوسر دیگر بهم متفاوت و درند که زوایای منفرد
 متفاوت حاصل نمایند و اگر هشتی را که از این اجتماع
 حاصل گردیده است ملا حظله نمایند هشت کلبه ^{حظ} ملا
 نمایند مانند این که بنحاف زبانه در روی صفحه
 بپزند (مش ۱)

سورج آنگ

۴۰

(مشق اول)

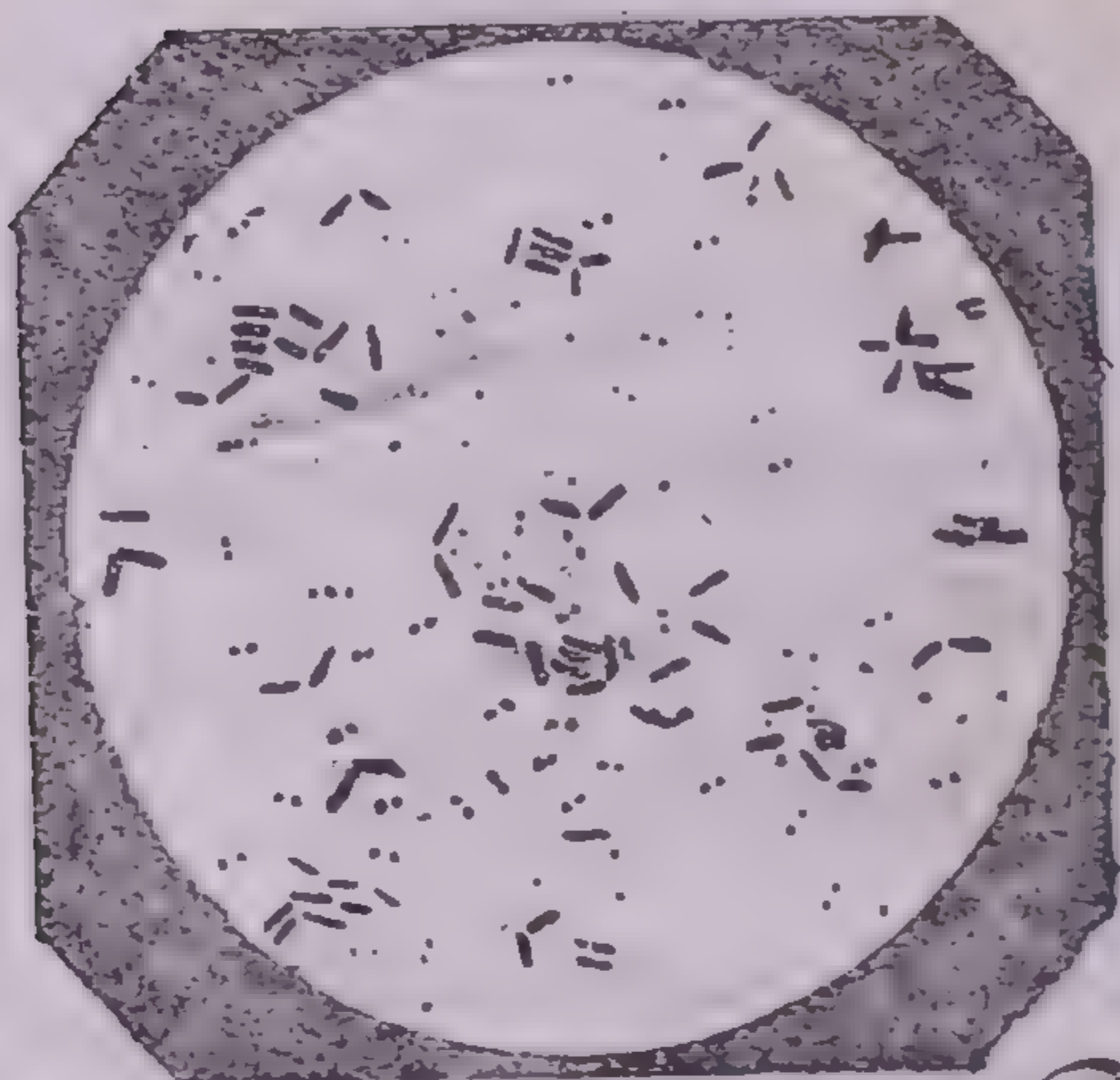


تاسپیل کلب ذراع خالص

و کو کوس بر پیزی (اسم طفلی است که در رد و آن میسو
 ری و اهرسن و فامرن این صیغه را کشف نمودند)
 بشکل نقاط صغیره منفرده باد و بد و نا هم پیوسته نموداد
 میشوند (مشق ۲)

همین بود

میزان الحکمة

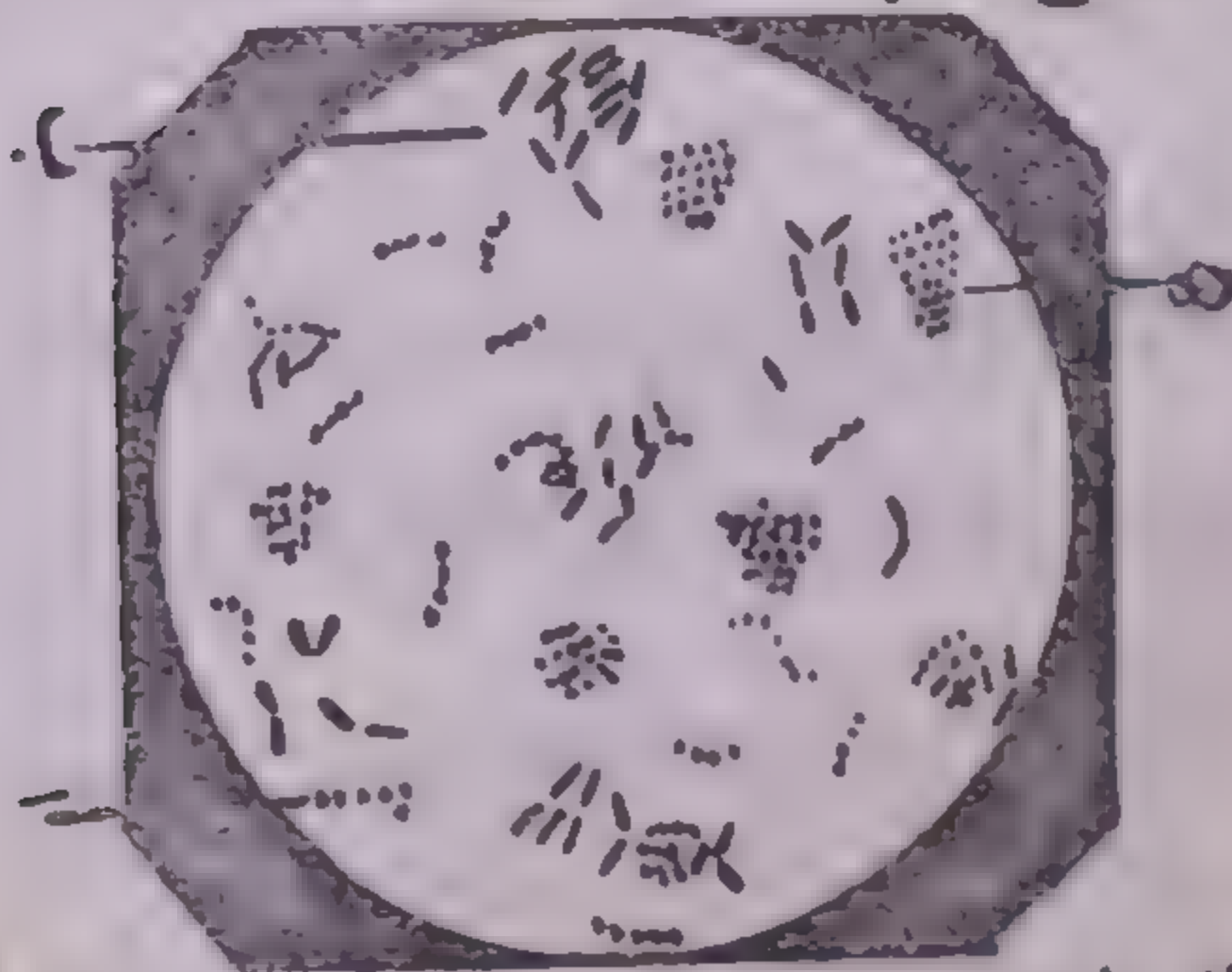


(مش ۱۰۰) با سبیل کلب افلرد کو کوس بریزد

اسرینوک ب صوف نفاطیکر دونه دونا هم متحد کرد پدیا کل

زنجیر کاغذیه از عم الی عتد واسنا فیلوک مک رند و نند

خوشه جمع کرد بداند (مش ۱۰۰)



(۱) با سبیل کلب (ب) اسرینوک (ق) اسنا فیلوک

نوع اول

۶۲

چنانچه دیده میشود ممکن نیست حتی برای اشخاص که تجربه
و شبهه نمود با سبیل و بخت را که طریق نیست تا سبک نهایی
که اغلب همراه با اندیشه اند که کوس بر سر و پهلوی
پتو کلاه و استخوان و کلاه را که این سبک نهایی اند
امتحان اغشبه کاذبه نادیده بین همیشه در تحقیق کا
نست بلکه نباید تراکم نمود با کاشف با سبیل و بخت
در اغشبه کاذبه و بعد با امتحان در بین محققان و محققان
از و بعد از و ملاحظه میماند که در صورتیکه اغشبه کاذبه
موجود نباشد باید را بصورت نامشروع و ملاحظه که
با سبیل و چراغ الکلی حرارت داده و عطر نموده و در
هوانا گذاشته تا سرد شود و چنانکه و ملاحظه
رطوبات چینههای بیخ خلوص و فریب و بخت را که
و بیلوریکه من بعد ذکر خواص شد از این بخت و بخت



نمایند

سیر ضد بقر

۴۳

عَلَدُ دُومِرْ - کاشتن اغشید زینا طوبی که
احمال دینقری در اینها میرود در سر و سر
وامتحان از نذرین

از برای این عمل چهار هنکا است

اول نذارک لولهائی که از برای کاشتن باکر بها است

دوم کاشتن لوله های سرم دار است

سوم امتحان تشکلات حاصله با چشم تنها است

چهارم امتحان تشکلات حاصله با ذره بین است

هنکا میرا اول - بهبه لوله های سرم دار بیکه برای کاشتن

باکر بها است برای کاشتن با سبیل های محو به در اغشید کادانه

با در زشای بیکه محل احمال دینقریست محل زراعت سرم خون

کاو با سب سریشی شده که بیشتر این مذکور است فراز

میدهند

و این سرم را میتوان بدو طریق ساخت

نوع اول

اول طریقه نکاح در درو | دوم طریقه کونج سبک

این طریقه بسیار صحیح است ولی بکسر | این طریقه که زیاد معمول است سرور

عنوانند از عهد آن بر آید از برای | از خونیکه از فضا بخانه میاورند

اعمال باید با قصاب یا ببطار فراری | میگیرند بعد این سرم را بطریقه

داد که همیشه چو اینک باید قصد ^{خون} | تمایل با بواسطه حرارت

ان گرفته سودا مانده و حاضر باشد | داد در منفصله عقیم می آیند

که ما خونیکه از عرق خارج می شود

در فلاکن عقیم ضبط شود و سه

حاصله زادر لوله ها تقسیم نموده

بطوریکه بهیچ چیز آلوده نشود

و بعد از آن لازم نیست عقیم نو

ان زیرا که با این طریقه سرم عقیم

حاصل می شود

اکنون برای اعمال را بفصل ذکر می نمایم

سیر ضعیف بهار

۶۵

اوله رطوبه نکاحی رقیق — فلاکن دهان فراخی که
ظرفیت از حد است باشد تا سر می که بخواهند بسیارند
و دهان این فلاکن را با کاغذ صاف ضخیم مسدود نمایند
با مخروطی از کاغذ سرفلاکن را بپوشانند و اطراف کاغذ را
بکلی فلاکن بپوشانند و تمام را در انوی ۱۱۰ درجه حرارت
غلیظ کنند

از طرف دیگر لوله از فلز را که باید داخل ر عرف حیوان شود
حاضر نمایند و یکسر این لوله صافست و مانند سرفلم بچرخ
قطع دریده است و سر دیگر آن قدر کوتاه است که باید
بالوله از کار و رت شود بطول ۴۴ صد مطر (س ۱۴) قریط
شود کندی



(شش چهارم)

نوع اول

۶۶

لوله را در آنود رسیده رجه حرارت با صد پانزده درجه عظیم
نمایند ولی قبل از این عظیم نمودن باید سیر از این لوله را
داخل لوله کاووت نمایند مانند شکل پنج و ظرف سر و
لوله در وقتی که حاضر شد باید چوانی را که خون از آن گرفته
میشود حاضر و عمل نمایند



(شش پنجم)

قبل از اجرای عمل عامل باید لامپ الکتریکی را در زیر میز بگذارد
که دست رس باشد و یک پاد و میل ابوری و یک جامه
بسیار تمیز و یک زوج مفراض و ابزارهایی نظیر سنج و ریشمان
شریان و همچنین ظرف قابله برای ضبط خون و لوله‌های
حاضر باشد

سیریه خستگ پیری

۶۷

خون را مگر است از و داج با از سبنا کرفت و در صورتی که
بخواهند جوان را ذبح نمایند بهتر است که شرابان ثبات را
بکشایند چونکه از فشار شرابان خون بهتر در ظرف قابله
داخل میشود

و در عمل در شرابان باید عرف را عریان کنند تا این که در
زبان عبود دهند شراب را بلند کنند و سطح از آب سر میل ^{بند}
که در روی لایف الکلی شدت داغ نموده باشند ^{نند}
و با چاقوی شعله داده فوراً شرابان را بکشایند و بمحصر ^{نند}
خون بنای جستن گذاشت لوله را از لوله کاووت شو
خارج نموده و از اسعله داده داخل در غریه نمایند ^{از}
ظرفی که برای سرم حاضر است کلاه مخروطی از ابرو ^{نند}
و کاغذ مشاد همان از اسوراخ نموده و خون را که از لوله کاووت
شوخارج میشود را بنظر و جمع نمایند

در وقتی که این طرف اول پُر شد لوله کاووت شورا فشرده



که جزای خون موقوف شود و ظرف قرار برداشته مجده اکلا^{غذ} کا
محرومی را بستران بگذارند و به همین طور میتوان یک چند
ظرف دیگر را قبل از وقت افاده نموده اند پر نمایند بعد
را از شرابان سر و زکشیده و آنرا با ریسمان ببندند و ظرف را
که باینطور از خون پر نموده اند در مکان خنکی بگذارند که
از ۴ تا ۸ ساعت رغو^ه بسنه و جدا
کردیده و در وقتیکه جدائی تمام حاصل شد سیرم را جمع
نمایند

برای این عمل بواسطه پیپ عظیم شایع^ه لاند که سر نازک آنرا
که قبل از وقت سعله داده اند شکسته و سیرم را در آن
جذب داخل کنند و در وقت نمایند که نلافی نادر غوه نماید
نایسیرم کم رنگ نباشد پس از آنکه پیپ پر شد آنرا با لایپ
مسدود نموده و مدت ۲۴ ساعت راحت بگذارند برای
اینکه کلبولهای که در سیرم با پیست رسوب نمایند

نوع اول

۷۰

عقیم شده و باید دهان آنها مسدود است حاضر نموده و
لوله نازک تهلوی پیت را با چاقوی بلورین شعله داده
می نمایند و سیم زادر لوله ها تقسیم می نمایند و فت کنند که

پیش از ربع ارتفاع آنها پر نشوند

اکنون لازمست که خلوص این لوله های سر میرا بملاحظه بکروند
تحت نظر نمود و برای این مطلب باید آنها را مدت ۸۰۰ ساعت در
انوی ۳۷ درجه حرارت کرده نمود و آنها را تا که کدورت
یافته اند بایند و زردیخت چونکه کدورت و اغتشاش^{لیل} شد
بر اینست که عقیم نکرد بده اند

س از آن لوله ها بشکله باینطور مرتب و آماده می گردانند

باید آنها را سیریشمی نمود و این عمل را من بعد ذکر می نمایم
روش^د در^د طریق^د کثیر^د کوچ - در این طریق لازم
نیست که خون را خود از قصد را جمع نمود و این همه فایده
زخمات زادر باب عدم عفونی بودن خون کرد و بطوریه

سِرِّضِدِ بَغِي

۷۱

رُو بُود مُتَمَلِّ شُد بَلْکَر دُو طَشَنک بِلُورِی مِکِرِنْد کِه ظَنَر ^{فَتَن}
 هَر بَلْکَر تَحْمِیْنًا بِلْکَر بِلْکَر شُد و بِلْکَر بَز دُکَر اسْت کِه سِر پُوش ^{مِی}
 بَرای دِکَر



شِکِلِ کَفَن

هَر دُو ظَرْف زَاد رَانُوی ۱۲۰ دَر جَه چَرارَت عَفِیم مِیَنَ اِنْد ^{بَعْد}
 دَر لَعَافَه اَز کَا غَیْطِ چِیدِه کِه دَر وَفَت کِرَفَن خُون اَز اَبَا ^{سِن} مِیَنَ اِنْد
 و دَر قَصَابَخَانَه دَر وَفَت کِه قَصَابِ حِوَان زَاد مِیَنَ اِنْد طَشَنک
 کُو حِکَر اَبَر دَاشْتِه و اَز اَمَکْشُوف نَمَایَنْد مَکَر دَر وَفَت مِیَنَ
 و جَمْع کِرْدَن خُون و دُو ثَلَاث اَبَر طَشَنک زَا پَر نَمُودِه و بَا طَشَنک

نوع اول

۷۳

بزرگتر از این میباشند و هر دو ساعت در
محل خنکی میگذارند و پس از این مدت رگوه جمع و جدا کرده
و سیرم از آن میماند و پس سیرم از آن جدا میماند و این سیرم را با
شیاف بر انداخته گرفته در لوله های امتحان تقسیم میکنند
بالحیاط تا آنکه در طریقه روزه گرفتن و این طریقه که در
اعلی فصاحتها یار پس میخواند و سیرم از عقیق
پس باید سیرم را در وقتیکه در پیت شیاف بر انداخته
شد عقیق نمود بطریقه نشان داده با کرم کردن منقطع
با اینطور که پیتهای شیاف بر انداخته را که سیرم مآخوذ
انها است در انوی تمام فاربه ۵۸ درجه گذاشت و این
درجه حرارت باید یکم و زیاد نباشد مدت یک ساعت
که میماند و مدت ده روز این عمل را هر روز به یکسان
مکرر میماند و با اینطور سیرم عقیق حاصل میشود که بعد
از آن در لوله های امتحان تقسیم میماند

سِرِّ خَلِّ پِی

۷۳

و برای اینکار سِر لوله نازک پهلوی پیت با جاقوی بلور
شعله داده شده میسازند بعد سِر مراد در لوله تقسیم

بیشتر اینکه پیش از ذوب طول لوله را پرتابند

و برای تحقیق خلوص این سِر مزاج چیت با کربن پوزی با

مانند طریقه روم ساعت لوله را در انوی ۳۲

درجه گرم نمود و باید تمام لوله ها اینکه معشوش و کرد

شوند و در پنجه شوند و لوله ها بیکه با بنطور مهبت شدند

باید پس از آن آنها را سِر پشی نمود

عمل سِر پشی کردن - سِر م عظیم منقسم در لوله

ها بیکه بطریقه رُف با بطریقه کوخ محضل کردیده

باید آنها را سِر پشی نمود با بنطور که سِر مزاج بواسطه گرم کردن

لوله های حاوی آن در ۵۰ درجه حرارت منجمد نمود و لوله ها

بخواهاند بطوریکه سِر در وقت انجماد در یک سمت حباب

لوله بسته شود در صورتیکه آنو فراهم نشود و آن لوله ها

نوع اول

۷۴

در روی شبکه مفولی خوابانیده و در روی دینک الی
کذاشت و از بوی خوش آورد که لوله ها با بخار آب بخوام سرش
برسند برای سریشمی شدت از ۳۰ الی ۴۰ دقیقه کافی است و
در وقتیکه سرم کهربائی رنگ و نیم زلال شد لیل ختم
علت و در آنوقت لوله ها بر میدارند زیرا که اگر زغال جلد
زیاد شود رنگ کهربائی نیم زلال کدر میشود و معیوب
لوله های دارای سرم سریشمی شده از برای کاشتن با کزنها
که هنگام دوخت است

هنگام درخت - کاشتن لوله های سرم

مفولی از طلای سفید زرد در شعله لامپ الکلی گرفته که غتم
شود بعد بگذارند سرد شود پس از آن سرم مفولی را با عشبیه کاذبه
که محل احتمال بفرست میالند بعد از آن بر روی سرم یکی از لوله ها
چندین مرتبه میزنند بطوریکه از کشتن آن خطوط متوازی
در سطح سرم نقش شود یعنی چند فقره در هر فقره سرم مفولی را

سِرُّ صِدْقِ بَقَرِی

۷۵

بِعَمَلِ لُولَه فرو برده و در ر کسیده نابطری از سر
که رویدهان لوله است مجدداً مقول را بلند نموده بعقل
برده و متوازی با محجره اولی نارد بیکر مقول را بروی ستره
و هکذا بکن اینکه مقول را از لوله خارج نمایند تا بقدر کما
خطوط متوازیه که تماماً از طرف عن لوله رویدهان از بر
سِرْم کشیده و مایلید شود مانند اینکه باسطاره در روی
کاغذ خطوط متوازیه میکشند و خطوط مذکور را باید زد

به هم نایسند

در لوله دو نیم سِرْم دار همین عمل را نمایند بکن اینکه مقول را
بال کنند با محجره از ابا غشبه کاذبه الوده نمایند و این
دویم نیز شکلات نازکتری میدهد

و در این بند افشانی بعضی قضا لازم است چنانچه نباید
دست بلا لوله زد مکرر در وقت داخل کردن نخ یا مقول
بلا زین و نباید پنبه کرد در دهان لوله است بروی چنان

نوع اول

۷۶

دیگر گذاشت بلکه باید از نا ابر عظیم شده نگذارند
در وقتیکه بذر افشانی تمام شده دهان لوله را شعله داد^{داده}
و پنبه را مجدداً در دهان آن گذاشته و این لوله بذر کا
را در انوی ۷۳ درجه حرارت منظمه مدت ۴۴ ساعت
بگذارند بماند

اگر غشیه کاذبه موجود نباشد و احتمال دیفتری برود
کافست که سرمه منقول بلاستنی که از اعظم نموده و در هوا
سرد کرده بر طوئبات چسبهای بیج کافور پیچیده الود^{بند} نما
و لوله‌ها را بطرز مذکور بکار برند و پس از ۴۴ ساعت^{وقت}
لوله‌ها را انوا کرده بذر افشانی بطور شایسته نباشد سرما
هوای خنثی شده نباشد همیشه تشخیص بطور صحیح و واضح
و ثابت میشود که دیفتری موجود است یا نه و از برای این
تشخیص و عمل لازم است اول امتحان با چشم تنها است و دوم
امتحان با ذره بر است و این دو عمل را مطابق مبنایم نا انچه

شیرین بختی

۷۷

که مت اهدا میشود بخوبی معلوم شود

امتحان را عا حاصلا حاجیه درها

اگر شکلات در سطح لوله نباشد بدون

احتیاج با امتحان باز به بین میتوان بفیز

بعد د بختی نمود

اگر د بختی باشد یعنی اگر با سید کا الفیل

موجود باشد ۴ ساعت در سطح لوله

شکلات سفید خاکسری رنگ مدور

با اطراف منظم دیده میشود و هرگاه لوله

را در جلو نور بگیرند و آنرا نگاه کنند

از کدر و اطراف آن زلالست و صید

که اغشیا ذره مر و حبیب یا مگر نهایی

مخصوصا با کوکوس برنجی و باله تپو کک

و با سافید کک و در اینصورت در تپو

نشد

امتحان را عا حاصلا حاجیه درها

برای امتحان ذراع با در بین

با مسئول پلاستین عظیم فطرح از

شکل ابر داشته و در یکطرفه

اب مغطی عظیم رفیق نموده و

در دو صفحه بلوری گذاشته

و با رنگ ابی مری ابرش از

رنگ غایبند

اگر با سید د بختی موجود

باشد هفتان

در

در

در

در

حاج شیخ ابو جعفر مجتهد کرمیانی
وقف آقاخان حضرتان طلاب علوم دینی
گودید

۷۸

شکل کلی لفظی شکلات دیگر نمودا در صفحه ۴۰ شکل از که
راست شد

شکلات صوتی سبز از کوکوس بر روی
اندکی شبیه است با آنکه شکل باقیه است از آن
کلی لفظی ولی از نظر نمودن در مقابل در صفحه ۴۱ (ش ۲)
نور در تمام اجزاء زلال است مرکز از که
نموده شد

پست

شکلات صوتی سبز از امیر پوک زلالند
و خیلی کوچکترند از آنهاست که بواسطه کوکوس
بر روی صورت سبز اند و بین شکلات
درشتی بفری نقطه نقطه موجودند

شکلاتی که بواسطه اسنافلوکل صورت
سبز اند پهن و غیر منظم و پس از عدم غش
اندکی نموده اند ولی پس از آن غش
نمومیند

نوع اول

۸۰

از آن منظور است

و اگر با سبیل بفری فقط و بد را انضمام موجود نباشد
بر در کلوی بفری خالص و خنای خالص است و درین
صوت که خطر آن کمتر است اغشبه کاذبه بصریست جدا می کند
و در ۸ ساعت بر طرف می شود و درجه حرارت نازل
می باید و بیاض البیض اگر بد و زخمی نبوده باشد موقوف
می گردد و بواسطه زخمی صد در دهکاه دیگر شفا
بفری است

و در صور بسیار خطیر افزایش اغشبه کاذبه در ۴۴
پیر از زرق موقوف می شود و باید در هر ۴۴ ساعت
دفعه زرق ۴۰ صد مطر بخندید شود و باید مکرر نمود
تا وقتیکه درجه حرارت پائین تر از ۳۸ درجه نازل نماید
در صورتیکه از امتحان با کثرت پوزی انضمام کوکوس بریزد
تا با سبیل بفری معلوم شود بر شدت مرض افزوده نشده است

سیر فی سیر

و باید بخومند کور رفتار نمود

در صورتیکه استخوان و کک که علت ریشیت همراه باشد با سیر
کلیب لغیر در دکل و خنای بسیار ردی و خطرناک باید
در هر روزی ۲۰ صد مطنه رقیق نمود نصف آن در ناهامان
و نصف دیگر که ده صند در شام ناهامان و قنیکه در صبح
حرارت بکلی نزل نماید و واضحست که سرم در رفع ترکید
رئوی که غالباً غارض میشود بی اثر است

خلاصه هرگاه بعد از ده با سیر د بفری اسیر نیوکا موجود
باشد خطر مرگ بسیار زیاد است و مدت علاج طولانیست و
مقدار سرم به ۸۰ و ۱۰۰ صد مطنه مکتب میرسد و در کجا
رئوی بسیار مشوم و مخوفست

چنانچه ذکر شد در انضمام فقط کوکوس بر پرفی سیر
عموماً تقدیم معرفت میشود بر خلاف انضمام استخوان و کک و
اسیر نیوکا با سیر د بفری دلیل بر رد آنست تقدیم معرفت

نوع آفت

۹۲

صنف سوم

بیمه بزرگ بفری که در اداره نایب سرانجام
کمار اینست که بپایده بنشیند و بپایان
و خانه که امر و از اداره نایب بعموم اطباء فروخته میشود
و در واقع حد بپنظیر است بعامه خان

بیمه بفری در فلا که فای کوپک عظیم دها زبسته با
کارت شوی بی عیب فروخته میشود که در هر یک
۴ بطر مکتب مانع و اندکی کافور خالص است برای اینکه
بیمه بفری بد زفساد محفوظ بماند در فلا که جعبه چوبی
صنطیست که از اثر نور محفوظ باشد با طرف از و در فلان
شرح دستور العمل آن مستور است بچیده اندک این دستور
العمل از قرار ذیلست

تفصیل استعمال سرم وندد بفری اینست که سرم ضد بفری
سرم غوز اسب است که از مرض بفری مصون بپایان اینست که از آن

سیرضیعی

۸۳

نگاه دارند که درجه حرارت از زیاد نباشد و شنائی بان بصر
و اگر درجه حرارت بیش از ۵۰ درجه باشد بدن اینک از افلا
بیرون آورند خراب باشد و بشود و هرگاه مقدار کمی کافور علا
بر آن نمایند بخوبی محفوظ میماند

علاج پیشگیری — استعلا سرم بمقدار ۵۰۰ صدم
مکعب موقتاً حفظ از دفعه پنجم تا لیست از این امتیاز
و حقیقتاً از مرض چها الی شش هفته است پس میتوان استعلا
که در معرض سزای مرض واقع شده اند زرق جلوی کمر
و فوت سربکه برای جلوی کمری از اداره پادشاهی که در
افلا... ۵۰۰ است یعنی زرق از این سرم در کجای بانداز
... ۵۰۰ را وزن از کافور است که بدن مریم شد و بعد از
شود و این مقدار از گشت سمی با نگرین قابل علاج است
دیگر است در مژده بمشاور این و ثبت قطب است
با فعلت سرم ۱۰۰ تا ۲۰۰ واحد مضاف است

عَلَيْ فَرَايَدِي — زرق سرم صندد بفتری عبقدا
 کافی مریض را شفا میدهد بشرط اینکه در اواخر مرض نباشد
 که کار از دست رفته نباشد و مزاج مریض بطوری خراب
 و فاسد شده باشد که قابل اصلاح نباشد و مقدار زرق
 مختلف است از حبیب سرم و ۵ تا ۱۰ اصله مطر مکتب
 لاریست اگر مریض سخت و آشفته و زرق کشیده باشد
 در صورت بسیار خطرناک بنده تمام محتاج به سرم و سرمه ^{مطلوبه}
 و پیش از آن میشود مخصوصا اشخاصی که ناچاراً در آنها
 باید عمل تراکمی نمود پس محالست بتوان مقدار سرمه را که لازم
 برای شفای مریض معین نمود و طیب باید بهدایت دانه
 حرارت و مالک بنوع حال عمومی مریض و فاعل نماید چنانچه
 صحت اینکه حرارت مستقیم کمتر از ۳۸ درجه نباشد باید که
 برفع مرض نمود و عموماً اغشیه کاذبه در تمام ساعات
 از زرق سرم جدا میشود و صورتی که مقدار زرق و سرمه

سیر ضعیف بینی

۸۵

کافی باشد

در صورتیکه طفل نفس بکشد غالباً میتوان بدن بزرگتر
دفعه اول ۵ تا ۱۰ صد مطلق و زرق غود و اگر بعد
نشود دوازده ساعت بعد از آن مجدداً ۱۰ تا ۲۰ صد مطلق

در آن روز نمایند

و بهتر است که در ابتدا مقدار فویری از سر دوز نمایند که
تا با توقف مرض نباشد است که بمقدار یک و سه

در تمام اطفال کوچک از یک تا فاعله کتیه این است که عدد
صد مطلق باید متناسب با عدد مشهور سن آنها باشد و

صورت شد فوراً العاده مرض لازم نیست که در بالغین در دفعه
اول از ۵ الی ۲۰ صد مطلق و زرق غود و بزرگ اگر چه وزن

انها بیشتر از وزن اطفال است بهتر مقاومت با مرض نمایند
بعضی محتاج نیستند مگر به کمی تخفیف زرق باید در بعضی مقدار

مقدار از سر زرق غود نه اینکه مقدار زرق را از حد لازم

کدرانند

نوع اولك

۸۷

گذرايند

در زهر ف — زرقا بايد و شمع زنبوری تحت جلد
 محل نهنگاه و خاصه نمود و تمام احتیاطات لازم در
 عفونتها بعمل آورند یعنی اول محل زرقا با محلول اسپد قشك
 يك در پنجاه بشویند یا با محلول سوبالیمه يك در هزار و نیز با
 در وقت زرقا نمودن زرقا فله و لوله را عظیم نمایند یا برنج
 که آنها را در آب سرد فرو برده و از آن اسباب مذکور را
 بگذارند تا ربع ساعت بپوشد محلی را که باید و از زرقا
 نمودن باید که عروق بپوشند و زرقا سرم در زرقا
 چند ران و جعی ندارد و مابعد مزه و چند لحظه جذب میشود
 مثل از زرقا سرم لازمست که مظهر نشد که سرم بمالت بسیار
 باقیست که اگر جمله رسیده و زرقا نمودن باید دلیل جرا
 و فساد است از آن نیست و همیشه باید نشویند یا بکتر بود
 در پیش براسمعی بدارند زیرا که این چاره فطری است و شست

سِرُّ ضِدِّ بَقَرِی

۸۷

از بطور قطع در صورتیکه علاج بواسطه سِرِّم مخفی نگذارد
ولی چون زرق سِرِّم هر فرد روزی در بطن اید موثر تر و صحیح تر است
نباید محض تشخیص یا اگر بولوروی ناچند در زرق سِرِّم نمود
در صورت خطر و در حالت زیاد و رجه حرارت

خلاصه میداند که زرق سِرِّم در وقت شایسته جلوه گیرد
و رفع سِرِّم دِ بَقَرِی میباشد ولی در صورتیکه موفع نمیشود
ناخیز شود سِرِّم مذکور را سایر اخراجات فاسد میباشد که عذرا
ان فلیح و عذرات نظایر فسر و بفسد است و در وقتیکه بابت
زرق سِرِّم این عذرات بروز نماید معلوم میشود که زرق
سِرِّم ناخیز شده است یا مقدار زرق از مقدار کتابت
نبوده است

مخاطب این سِرِّم — پس از زرق سِرِّم ضِدِّ بَقَرِی غایب
شود و از مانند نبات انبیل گردد و زرق سِرِّم از ابتدای
روز میباشد و گاهی تا این بروز میوزات و رجه حرارت

ز باد میشود و بر طرف میشود و عرض کسالت عمده و بند است
 ثورات آهواریه با حنی بر زمین باید و بطور استثنای ^{مقتل} و در
 باد و همراه با این ثورات است و در اینصورت ممکن است ^{چند} حتی
 روز دوا و ام نماید بر و ز این ثورات با حنی و بالغین بیش
 اطفال است و تمام این موارد من موفی و بخیر اند

و از برای تحصیل سرم باید بد و آخانه جار جوع نمرد چون
 هر محل و موقعی که ساخته شود بد و آفروش و آکزار میشود
 و قیمت هر فلاکن ده کرمی بد و آساز در خیابان داده می شود
 و دواست با طبیب و عموم مردم در شرفان می فروشد و قیمت
 فلاکن بیست کرمی ده فرانک است برای دوا ساز که باید در
 دوازده فرانک بفروشد در بار پس و دهانات اطراف آن
 از جانب اداره بلدیة بمن هم خاناداده میشود ^{بطوریکه} با آنرا
 مربوط نباشد

صنف چهارم

استعمال در خدایه

در این باب نصاب مدین بطبع رسیده ولی بطرز اختصار
چهارده از رساله که فائزین در این کتاب نوشته است
نیکاریم برای این عمل زرق باید زرافه که ظرفیت آن ۲۰ صد
مطر مکتب باشد بکار برد و در این جوش عظیم میشود و در کشت
(۱) از دُولوله یکی زجاجی و یکی فلزی که لوله زجاجی ^{سطح} بوا
دو بالش کاووت سوار لوله فلزی خد است (۲) از لوله
کاووت شو (۳) از لوله الحافی که عبارتست از لوله
کاووت شویطر فلم درشتی بطول ده صد متر (۴)
سوزنی بطول ۴۰ الی ۵۰ صد متر و لوله الحافی که از کا
شو و زمست بین زرافه و سوزن قرار داده میشود
برای اینست که زرق بطور شایسته بعمل آید و در وقتی که
لطف حرکت و بیقراری بینماید

بعضی سفارشات در عظیم نمودن زرافه لازمست

نوع آقل

۹۰

اولاً قبل از عقیقه نمودن زرافه باید همیشه مطمئن شد که بچه
عقبست و بخوبی عمل بینماید و باید هفت شد که و از سوزن
بخوبی عبور مینماید و د و بالش کاووت شو که درد و صر
لوله رجا حبیب بینند

پس از انداختن اولته و فشار ندادن بپیش استخوانه
که مبادا بشکند زرافه را در آب فرو برده و میچد
تخمنا آب میجوشد پس از آن زرافه را بیرون آورده و بکذا
سرد شود و پیچ را فشار دهند که محکم شود در آنوقت
عمل حاضر است

اینرا که میجوشد نباید در ریخت چونکه بکار مینماید پس آنرا
شد عمل زرد زرافه و لوله الحافی کاووت شود و سوزن
را باید بان بشویند خلاصه این در وقت و لحظه احتیاج لازم است
و الا سر میکه پس از زردی در اطراف این سه پارچه پهناید
باقی میماند خشت میشود و بعد مانع عبور میشود از سوزن

سُرُوحِ نَقِی

۹۱

میشود

اقدام در باب زرق پس از آنکه آیه زِدْكَ را از سر بر نموند
 از ایدست راست گرفته یعنی در پیرسه انگشت آخر و
 دست با شصت انگشت پنج سوز را گرفته یعنی در نقطه
 اتصال آن بالوله الخافی کاودت شود و بادست چپ
 نهنگاه را بلند نموده بطوریکه در وقت زرق نمودن
 سرم از نسج زنبوری تجاوز نماید بلکه داخل در نسج زنبور
 تحت جلد شود

در این هنگام یعنی در وقتیکه سوز فرو رفت زرافه را
 بدست چپ گرفته و بادست راست که بیکار مانده بملا
 سینه را بجلورانده و در همانوقت با راحی از ایدست چپ
 و باید زرافه را باندازه که برای زرق لازمست بر نمود
 ذکر شد قبل از زرق باید جلد محل زرق را با رافع القوم
 و بهزار همه محلول سوبلیمه باند در هزار است و پس از آن

حساج شیخ ابو جعفر
وقف آقایان
مرحوم سید الاسلام
گودید
کتاب طب عمومی دینی

دود سوز ترا که در زجر جلد است باینجه هید و فیرو شوند
و این نینجه با سر می که از محل سوزن بیرون میاید بکنوع
کلید پوز میسازد و باینطور سوراخ محل سوزن بکلی
مسدود میگردد و در هنگام زرق طاول درشتی حاصل
میشود که از ۵ تا ۱۰ دقیقه پس از آن بر طرف میشود
و هیچگونه علامت عمومی و مزاجی غرض نمیشود

معلوماً قرآن باکی بنی سیر در هر بنفشه
ذکر شد که سرم را میتوان برای جلوگیری و برای علاج
نمود و عبارتة اخرى مانند واکسن و مانند و است و
باید دانست که در چه حالتی باید آنرا برای جلوگیری و محفوظ
ماندن از مرض استعمال نمود

و چنانکه در خانه واده یاد در محلی از اجتماع اطفال بکفر متباد
مدفتری کرد بد باید باقی اطفال آن خانواده یا مجمع اطفال
کویده باینطور کرد و اطفال کم از سه ساله را باینج مد نظر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۳

مکتب در بالا را از این سینه صد مظهر سرم زرق غما سید و
کوبید و تلفیح غالباً کافیست در متع بروز مرض بطوایید
(وبائی) و اگر هم بعضی اطفال مبتلا شوند خطر از بسبب
کمراست

و چون بطور کفایت را پنداب استغناء نموده ایم نمیتوانیم
بطور حتم بگوئیم که این اطفال تلفیح شده تا چه مدت محفوظ از این
مرض میمانند

اکنون گفتگوی از استعما علاجی سر صد بقری میمانیم
قاعدۀ کلیتۀ که نباید هرگز از آن تجاوز نمود این است که
هر وقت که حدس و گمان بوجود بقری در مرض برده شود
باید بلافاصله در تحت جلد نهنگاه آن بپس صد مظهر
سرم در یک دفعه زرق نمود و در مجاورت از بازده لقا
بهر آنست که از سی الی عم صد در این مجاورت زرق نمود
ولی ۱۵ الی ۲۰ صد در نهنگاه این و ۱۵ الی ۲۰ صد در

نوع اول

۹۴

نهیگاه اسپر که در پهلوی ۱۵ انا . صد و پنجاه و یک روز شود
 که در اینصورت عیز از بروز شود و اینگونه هیچ خطر و عیب دیگری
 ندارد و اما اگر فی الواقع مرض دیفتری نباشد هرگاه مقدار
 ذرق کافی نباشد وقت عیز نداد دست زدن است و ^{سپاس} سودی ندارد

و فوراً پس از ذرق بلکه بهتر از آن قبل از ذرق است ^{اینکه}
 بعد از آن مریض را راحت بگذارند همان مریض را کشوده ^{بوی}
 بروی اغشبه کاذبه نادر در طریبات بیخ کلو برده و ^{نمود}
 و بلافاصله و لوله سیرم خود را بطوریکه دستور العمل داده ^{شد}
 تخم کبری میخامند و عمده است پس از آن از آمیخته ^ل
 مهمتر فرابادینی بر شما معلوم میشود یعنی ^{میشود}
 که مرض دیفتریست یا نه اگر دیفتری نباشد ترك ذرق ^{سیر}
 مینمایند در صورتی که ^{دیفتری} هم از آمیخته زراعت خود ^{نفر} مینمایند که
 خالص است یا دیفتری یا انضمام دیگر بیماریهاست

سر مرض دیقزی

۹۵

پس تمام علاماتیکه در معالجه باسرها حاصل میشود چه در
درجه موضعی از قرار ذیلست

علامات مزاجیه چهار است اول حالت بنفش روی
درجه حرارت پیشانی تنفس چها کمر بنافض البیض است
اما علامات موضعی (اغشبه کاذبه) بطور یقین علامات
مفید و بدست میدهد اگر امتحانات با کربو لوری نماید
ولی علامات با کربو لوری نیز بهمان خواست اگر چه صحیح تر است
و هینک اغشبه کاذبه و همچنین زیادى از هرگز در باب تقدیر
المعرفه و علاج مرض چربی بر معرفت طبیب عیاض فراید و آنکه
دیقزی خالص با مریض است

اکنون بعضی علامات نیز که ممکن است در علاج باسرها حاصل شود
بیان میکنیم و در اینموقع معالجه موضعی که در مرض دیقزی
معمول است بطور اختصار ذکر میکنیم

در ربعه کجا مرض موضعی در دیقزی

نوع اول

۹۶

دکتر مرید راجن بوزالپیست در رضا بنفیکه سابق
 بران طبع نموده است ذکر مینماید که واضحست که معالجه
 مرض دیفتری با سیرم مانع تمام معالجات موضوعی آن نیست
 و بطور حتمی منع مینماید استعمال محرقات و اسپد فینک
 و سوبلیمه را و میگوید از بخار و بیدار برهما معلوم کرده
 است که اگر در علاج دیفتری هم زرقی سر و هم اینست
 اسپد فینک یا سوبلیمه با هم نمایند بنمایند ناگوار منجر
 شود چنانچه در مکتب هست و زک در مریضخانه اطفال در اطاف
 مبتلا با مرض دیفتری جمیع را با سوبلیمه و جمیع را هم با سیرم فقط
 معالجه نمودیم در خالتیکه تمام شرایط حفظ صحیح و غذائی
 و هوائی آنها بیک طرز بود و در عرض این یک هفته از مرضا^ن
 معالجه آنها با سوبلیمه بود با وجود اینکه درجه مرض آنها
 متوسط بود سه نفر تلف شد اما در اطفالیکه معالجه آنها
 مختصر ب سیرم بود با وجود شدت مرض و بیماری آنها^ن

سِرُّ صِلِّ بَغْرِي

۹۷

در بعضی عمل ترا کوئی نمودیم تمام مرصفا یافتند
 اما در مرقی که اینست مال سوبلیمه و اسپد پینک را فو
 مینمایند روزی سه دفعه شست شوی با محلول اسپد
 بوزن یک با پنجاه گرام لیکر لایزالک زاده یک لیتر آب جوش
 بخور مینماید فایده این شست شوی حتی الامکان زایل نمودن
 تخم مرض و اجتناب از کلودردهای منکریست که ممکن است
 بعد از شفا یافتن کلودردهای عارض شود و مسبو
 علاج موضعی را منع مینماید بلکه بخور مینماید مالیدن زرد
 ابی مخصوص که مرکب است از کافور و فانیل بمقدار فستق
 که از آن زرد ها و زرد ها به کنند با غلیظ شود و علاوه بر این
 در تمام هنگام معالجه با سرم در تمام حالات و اطباء مختلفه
 مرض کلیسرین با اسپد سالی سینلیک بمالند مکرر در صورت
 جند چون غشیه کاذبه پس از زردی سر جمع شود و
 میگرد و کلوبالک میشود محتاج بمالیدن دوا نیست در

فَوَحِ أَقْلَكَ

بِاسْرُءٍ أَبَدًا تَنْبِيرِي رَغْدَايَ الطِّغَالِ لَا زَمَ نَيْسَتْ بَلَكَا نَهَا
بَابِدْ خَوْبِ نَعْدِيه نَمُود بَا اَعْدِيه مَقُوبِيه مَكْرِدْ رَصُوبِيه
بِنَاضِ الْبَيْضِ ذِيَادْ دَرِ زَارِ بَهْرَسِدْ كِه دَرِ انُوفِ غَدَارَا
رَا بَدِ خَجَرِ سَبَرِ نَمُود

وَمِنْ كَلَوِي دِي بَفْتَرِي خَالِصِ جَسَدِ

مَقْصُودِ اَزِ اِيْمَطْلَبِ كَرِ مَالَاتِ مَرِيضِي اسْتِ كِه مَسْتَكِبِ رِزْمِ كَلَوِ
دِي بَفْتَرِي خَالِصِ بُوْد وَ بِنَابِرِ قَاعِدِ كَلْبِه دَرِ رُوزِ اَوَّلِ
صَدَمِ مَطَرِ مَكْتَبِ سِرْمِ دَرِ رُوزِ نَمُودِيم دَرِ صُورِ
فَرَعَاتِ بِنَضِ ۸۴ و حرارتِ شَبَانِه ۳۸ درجه بُوْد بَدَنِ
اَعْثَالِ اِنْتَفِشِ بَدَنِ وَ جُوْدِ بِنَاضِ الْبَيْضِ ذِيَادِ رَا

۴۴ سَاعَتِ پَسِ اَزِ رُوزِ فَرَعَاتِ بِنَضِ بَدَنِ ۱۰ اَنْتَرِ نَمُود
و دَرِ حَرَارَتِ افْرُودِه نَشْدِ بَلَكَا اَزِ ۳۸ درجه بَدَنِ ۳۸
رِسِيْدِ اِيَزِ تَقْصَارِ خِفَتِ حَرَارَتِ كِه هَمْرَاهِ نَابِغْضَانِ دِي
فَرَعَاتِ بِنَضِ بُوْد مَا رَا مَجْبُورِ بَرِ رُوزِ مَقْدَارِ جَوِيْدِي اِسْتِ

سِرِّ خِلِّ بَیْرِ

۹۹

نمود

وَمِرْگَلوئی بَیْرِ خَالِصِ قَلْبِ شَدِّ وِزْجِ
اکنون ذکر خالی از ورم کلوئی بَیْرِ خَالِصِ اِست اما بگویند
اینکه جَید نَاشِد مانند صَوْتُ سَابِقِ بَیْرِ شَدِّ وِزْجِ

رَدَائِشِ

در روز اول ۲۰ صدک مطر مکتب می نمودیم و بیانی
کافی نبود زیرا که فردای آن روز درجه حرارت سی و
نماد نرشد و فرغات منظر از عمایه عمایه تجاوز نمود
و از این صُعُوتِ نِوَامِ حرارت و شش معلوم شد که مرخصی نایل
نگردیده است و در اینگونه مواقع باید مقدار زرق و برق
را مکرر نمود و نیز ۲۰ صدک مطر در یک دفعه و بهتر آنست که
ده صدک در صبح و ده صدک در شب زرق نمود چنانچه
معمول است و نتیجتاً از اینست که در روز سوم حرارت
بکدر رجه منزل نمود و بی نبض تقریباً بهما ارتفاع باقی ماند

نوع اول

۱۰۰

بعضی عافیه در دقیقه و بیاض البیض بمقدار زیاد خارج ^{میشد}
و در نقد المعرفة باید توقف و ناماع نمود زیرا اگر چه در یکی از
علامات که درجه حرارت نباشد تخفیف حاصل نکردیده لهذا
در مسکه مطر مجید از رقی نمودیم فردای از وز درجه حرارت
و بیض نیز لغو شده و بیاض البیض کم کردید دیگر در فرا
موقوف نمودیم و مریض شفا یافت
مختصرا کلودرد های بفری خالص لازم دارد و رقی
ناه مسکه مطر مکعب از سرم که در سه روز تقسیم و بخورید
شو و شفا فاعده کلیه اول لازمست که نمایم حاصل بخار
که مسبور از بوزا پس برای مافرستاد ما سبب
در ۱۴ درد کلوی بفری خالص نه نفر تلفات داشتند
و دو نفر از این نه نفر یکی بمرض نور کول و دیگری بمرجه
تلف کردیده اند و هفت نفر دیگر در نظر کمتر از ۲۴ ساعت
بپراز و در بمرضخانه فوت نمودند



سیر صدیقی

۱۰۱

آهون از در کلو دی بغری انضمامی گفتگو نمائیم و بجای از
 دی بغری منضم نایا سید برزق صرف نظر میمائیم چونکه
 انضمام این نایا سید باعث ردائت تقدیر المعرفه میبشود
 و از حیثیت شدت تفاوتی با صور سیاق الذکر
 ندارد

در کلو دی بغری با انضمام الی سیر توکات (ما به حرمه)
 اکنون ضمنا میرا ذکر میمائیم که تقدیر المعرفه را زیاد شدید
 میمائید یعنی انضمام نایا سید بغری نایا سیر توکات و لهذا
 فیلوکات

از روز اول تا صد و هشتاد و پنج روز پس از عزم عتبات
 تمام قوسهای حرارت و تبصره نزل میمائید و از مکان ^{ایست} عمده
 که در حرارت شب کمتر از صبح است در ایستاده صد و هشتاد و پنج
 روز میبشود و در صحن انضمام میگیریم با نهار است که در روز
 دویم هم بعوض ده صد و بیست صد و هشتاد و پنج روز میبشود

نوع اول

۱۰۳

از حالات روزهای آینده رخسار از معلوم میشود
خلاصه در روز سه شنبه تا این حسن نماید و رفتار استوار
میشود چنانچه غالباً در کل روزهای انضمامی و امیزاجی
میشود که تمام فوسها فوراً از باد صغیر سیماید، علامت آن
سندید بروز میکند شفق بطوری زیاد میشود که خوف
از بروز ورم شعب و زهر میرود
لازمست که مقدار سیر فرا بفرمایند بنیست صدم مطر مکعب
در فتنه چنانچه معمولاً است
فرهای از روز این طوفان میخوابد تمام فوسها بخوبی نزل
مینمایند و درجه حرارت شب کمتر از بامداد است و اگر از در
بین معلوم شود که در ضمن زوج با اثر تنوکان نیست فعلاج
سوفوف مینمایم ولی در روز چهارم مقدار جدید از در
مطر مکعب در فتنه مینمایم برای پیش بینی از نگرش در
مذاکره سناض السیاح مقدار زیاد موجود باشد از این

سیر خدای پند

۱۰۳

تجاوزینمایم

در روزیم بنظر و درجه حرارت و تنفس بهبودی
 حاصل نمایند و بنیاض البیض اگرچه فی انجمله افزوده
 شود ولی درجه نیست که محتاج بمقدار جدید از سرمی باشد
 ولی اگر زیاد باشد مقدار ۵ یا ۱۰ اصل مطر منکبت محذوف
 مینمایم خلاصه وجود بنیاض البیض در راز دلیلیست و اثر
 تکرین و پیزی در کلیه پس از افزایش مقدار صند تکرین بر
 بی اثر نمودن تکرین در کلیه نافع است و بعضی فائید که صند
 تکرین برای کلیه مضراست و لم یجده بطلان این عقیده کانی
 رجوع بتجارب مسومرف نمود چنانچه قبل از معالجه باز
 صند تکرین در دوائیات از مبتلایان بدرد کلوی و پیزی حاص
 بنیاض البیض دیده میشود و پس از معالجه بعسر و نصف
 مرصدا دیده شود

و در باب انقیام و امزاج و پیزی با اینها فلوکاز گفتگو

نوع اول

۱۰۴

همینايم چونکه رفتار از با آنچه که ذکر شد تفاوت ندارد
شدت و خطر از هم کمتر است

در سه حالت مذکوره که ما آنها را مانند خون و سر مشق اخذ

نموديم مرصنا شفا يافتند لي در و فينکه در ديکلوئيد بغير

خالص منجر به لاکت شود و عموماً مَرَك قبل از تمام عشت

بعد از ابتداي مُعالجه غارض ميشود اما در بعضي در ديکلوئيد

خالص ولي کشنده يعني با مسموم شدن مزاج مَرَك ممکن است

بواسطه سؤال الفبه و فلج و اختلالات قلب و کليه و غيره

پس از هفت يا هشت و ز بعد از ابتداي مُعالجه غارض

شود اگر چه اين حالت بسيار نادر است که در هر صدي ^{يك}

ياد و نفر نايستد ولي بايد دانست که براي در ديکلوئيد منراحي ^{و شيو}

مرک در مَرَك و در دهد بر پوست نيز کثيراً رتوبه و گاهی هم بواسطه

عفونت مزاجي است که بواسطه منكرها ايضاً ميتواند

اکثر خفاف را بيارزيم و مايم که از اوردن جرحه و بغيري ميتواند

سِرُّ ضَلَّ بَقَرِي

۱۰۵

در خافها بکه عمل بدی نموده اند باید آنها را مانند ردِ کلو
معالجه نمود و لی باید دانست که در علاج با سیرم عمل تنقیس
پیدا می نماید در مجتخافهای با عمل بدی از افضل ذکر
می نمایم

خُنا و خالص عمل شده

خنا و عمل شده را نیز باید مانند ردِ کلو تشخیص داد بخنا و خالص
و خنا و امراضی در صوتی و خنا و عمل شده خالص در رد
اول که روز عمل ترا کمی است بنا بر فاعده کلبه ۴ صد مطر
روز می نمایم در روز دوم عمل را مکرر می نمایم زیرا که بنا
فوسها منصاعند و در روز سوم بنض و درجه حرارت اصل
میشود و تنفس زیاد میگردد اما بنیاض البض وجود ندارد و اکثراً
می نمایم مجدداً بر روز ده صد مطر و روز بعد لوله را از حیره
برفز میاورند و بنض و درجه حرارت بحالت خوبی یافتند
پس بخند زدن پیوده است

مساجد دوان مرحوم شیخ ابو جعفر مجتبی
نوح الکملی
وقف آقا...

۱۰۶

حَسَنًا وَعَمِلُوا صَالِحًا لَّيْسَ مِنَ الْمُرْتَدِينَ كُفَّ

در خنا و الحالی و ایضاً بی بطور مذکور سهل و ساده بنشیند
و در روز بعد از عمل ترا کو نوی تقدیر المعرفه زناید و در روزی که
با وجود روز بیست صد مظهر مکتب سرم در روز عمل فردا
از و تمام فواید ااعدند و بیاض البصر بمقدار بسیار
زناید موجود است پس باید مقدار سرم را تجدید نمود و در
فردای زندق این مقدار جدید اصلاح عمومی حاصل میشود
و تمام علامه که تخفیف یافته ولی نباید از خطر انضواء غفلت نمود
و مثلاً و در و متوالی در هر روز و کرده صد مظهر نیز در روزی

نمانیم

با وجود این مقدار بر مکرر در روز پنجم عمل بنشیند تا در مکرر
و درم شعب روی که از ترکیب کبر و خضره خنای ایضا
باعث خوف از هلاکت میگردد پس باید مقدار جدیدی از
سرم را استعمال نمود و این مقدار را بیست صد مظهر مکتب بویضا



سیرت صلی بنقری

۱۰۷

نزل بکدرجه حرارت و نقص آب بسیار باد بیاثر البیض
و فرذا که روزء است میتوان لوله را از جگر بیرون آورد
و طفل شفا میابد غالباً این طور نیست و برای جناب از
عرف ضروریه شعبه ریه در این حالت در تمام مریضها علامته
روژه روزی یکدفعه یکصد قطره مکعب و عن فاسل در
دارد در لوله که در کافرو فرو کرده اند داخل میمانیم و ترکیب
روغن فاسل دار از این قرار است

فاسل ۴۰۰ گرام روغن بادام شیرین ۱۰۰۰ گرام
میرکشیس سبانه از فرا استقراء خود در نزل تلفات از
دیفتری بعد از استعمال سیرم مسبور و ثبت نموده است
که ازاد را بجا میکاریم

در خط اول و دوم و غیره تلفات هر زمانیکه در جهاده روز
ما بچک اقبل از ۱۳۱۳ و دو سال دیگر ۱۳۱۳ و ۱۳۵۰ که
بر حایفان بدست آمده است و این قافم دو هفته را و این

۱۶ حجه الاسلام

مقام

وقت انبار

کریه و بی

۱۸

	۱۳۰۶	۱۳۰۵	۱۳۰۸	۱۳۰۹	۱۳۱۰	۱۳۱۱	۱۳۱۲	۱۳۱۲
۱	۹۷	۸۱	۵۵	۷۴	۴۹	۸۲	۷۵	۲۶
۲	۱۰۶	۴	۵۱	۷۸	۶۰	۷۰	۵۷	۱۵
۳	۱۰۲	۷۱	۸۱	۷۶	۴۶	۵۱	۵۳	۲۳
۴	۱۱۲	۹۰	۸۱	۸۹	۶۱	۵۸	۵۲	۲۳
۵	۱۴۵	۸۴	۸۳	۹۳	۶۶	۶۲	۶۵	۲۲
۶	۱۴۵	۸۴	۹۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۴	۲۷
۷	۱۲۱	۷۸	۹۳	۷۶	۵۶	۶۲	۵۴	۱۵
۸	۱۱۴	۸۱	۷۱	۸۵	۵۸	۶۰	۶۱	۱۷
۹	۱۰۶	۷۴	۸۶	۶۹	۵۵	۹۱	۵۲	۱۹
۱۰	۹۴	۶۶	۷۴	۵۹	۵۶	۴۹	۴۹	۲۴
۱۱	۱۰۳	۷۳	۶۶	۶۲	۷۳	۵۲	۴۵	۱۵
۱۲	۸۸	۵۴	۵۲	۴۳	۳۳	۵۲	۳۱	۹
۱۳	۶۸	۵۵	۷۸	۳۳	۵۵	۴۶	۳۸	۴

سایر امراض باجری

۱۰۹۰

نوع دوم و سیم
سایر امراض باجری که در این کتاب مذکور است
شایع در خشنده شک از استعمال سرم و در علاج مرض
دیفری حاصل شده است امحانات و نجش حادید در علا
سایر امراض بواسطه سرمهای مخصوص دیگر کرد بدن سرم
و بسط نداد در این اعمال و بخار حادید برای تکمیل این عمل
نافع که بطور اختصار و سر مسائل از اینان نمایم
سیر ضد پرتوک - باید دانست که مرض حمه
(باد سرخ) و پور پوره را مرض است عفونی و علت آن پرتوک
میباشد مسبور زرد و قارح ک است لایع را معا
و مصون از این است پرتوک نموده اند و سرم اینچوانا را که
موسومست سرم ضد است پرتوک زرد نموده اند در مرض
که مبتلای مجره و خمای پوز پوزا کرده اند برای اینکه آنها
از این امراض نجات و شفا دهند

نوع در وقت

۱۱۰

سر ضد سیفیلیسی — سر شتر هر یک
در سبک و الاغ خون اشخاص سیفیلیسی نازرق نموده و
خون اینچوانات را با سرم ضد سیفیلیس بر مناسبت
مبتلای سیفیلیس زرق نموده اند و مقصودشان شفا^ی این
مرض است

سر ضد سرطان — سر شتر هر یک
۱۳۱۱ با تخم علمی اظهار نمودند که رباب امحاناینگه در علاج
مرض سرطان بواسطه علاج با سرم نموده اند

یعنی سرطان استخوان را بر میضیر برداشته و از آن با آب مقطر صلا^ه
نموده و صاف نموده و در یک الاغ و دو سبک تلفیح نموده
و از این زرق هیچ علامتی در آنها بروز ننمود و بر از حیدر^ه
سرم خون اینچوانات را که باینطور معاف از مرض شده بو^{دند}
در دو و مرض زرق نمودند که یکی مبتلای بقرم و سارک^م
اجزای صکر بود و دیگری مبتلای بباد^ه در محل دم معده

بشناسه مکارا با بر بنی

۱۱۱

که دلیل بر سرطان معده بود و سر ضد سرطان در معده
 مذکور باشد از این معینه نتایج بسیار خوب مجتهد
 بخار بر سر ضد سرطان و کل و ضد سرطان و سرطان
 هنوز بطوری منعقد نیست که بتوان بفین نموده در اثر آنها
 در علاج خون و حقایق پوپورا و سرطان و سرطان
 سر ضد کزاز - مسبو با مرکب ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰
 خود را مرض کزاز با این علمیه فرستاده و ثابت کرده است
 که از امراض مکرر نیست و بهر آنکه نواید این مرض میباشد و باطل
 مخصوصی که از اثرش میباشد بسیار نوری و شدیدا است و مفید
 بسیار بسیار کم از آنکه از چینی ممانعت و ده باشد چنانکه از آن
 ممانعت میباشد و فقط و آن برای ممانعت نمودن بکنترل
 کافیست

و ضد این هم سر چو انا نیست که معاف از مرض کزازند بنا
 بر قاعده بهر نیک و یکبار از اول و از امیر ضد کزاز

نوع دومین

۱۱۴

نامند ستم گزازی را می کنند قوت از در مقدار مشابه
باندازه است که تکرین گزازی را می کنند
تا وجود اثر عجیب مردم ضد گزازی اغیار و حقیقت فلا حبه که
منظور از آنست هنوز محل نام است و هرگاه از آنرا
با حیوانات مبتلای با این مرض آرزو نمایند می توانند صوت
خلد یا بارفتار سینه را شنید چونکه در وقتیکه سر مرغ
شود یعنی در هر وقتیکه علامت گزازی بروز نماید پیش از
تمام بکشد سیمو کردیده آوسته را خنک و لا حاصله در دینکا
اعضا بعد از تغییر یک از ستم در آنجا حاصل شده است نثار
و فایده ندارد مگر در صوتیکه مرض بطبی قدر صوتیکه مزاج
و بلندی سیمو شود اگر چه ستم ضد گزازی در علاج
حتی نیست و در صوتیکه برای پیش گیری از آنرا در سیمو
نتایج بسیار خوب می دهد و در این صوت حیوانات را بطور یقین
معاینه نماید و این معاینه بودن موفقی است مانند سایر معاینه

سایه ها فرا تاریکی

۱۱۳

دلبرای دهنم ز باید ز قراچید بدود
و در صورتیکه محل عفونت و میکروب هیچ ملخمه نجمله
باشد حفظ حیوان بواسطه زرق و باسیرم یعنی است و بود
صوت دخول در بین هیچ عضله چند از اثری ندارد اما اگر
صوت در آنست و حیوانات بیجان نادراست و این نقایص
در حفظ و ایمنی بواسطه اینست که در هیچ ملخمه خراب شدن
تکریر بواسطه سلولهای فاگوسیتیتهای سرغیر است
در هیچ عضله

پس هر چند گزازی ندیده می نظریست و جلو گیری از گزازی
همیشه توان بطور یقین جلو گیری از این مرض را نمود و بواسطه
بدون این سرم خواه در اشخاصیکه جراحی با آنها رسیدند
که اگر چه بی عمل و نوع جراحت مستعد بر وز گزازی و زانها
مانند جراخا حاصیله از خود شدند و جراخا حاصیله از ضربه
و سقطه که در بین جراخا خال و غیا و ذغال و اجزای

نوع دویست و دوم

• ۱۱۴

باقی مانده است در جراحت خلیفه و غایره ای که اجسام
خارجیه ارضیه داخل را نکرده و خواه ایشان که
عمل جراحی در آنها نموده اند و همه کس این قبیل اعمال را پیشین
که اسباب بروز مرض کزازند مانند اخشه کردن و بریدن
دم و اعمالی که در پای حیوانات خانگی مینمایند
استعمال سر ضد کزاز در صورتیکه مقصود از جلوگیری
باشد نیز خدمت نمایان میکند در ممالک خط استوائی و امریک
و آفریقا که در این امر ممکنه کزاز بسیار است حتی در جراحت
جزئیته و در بعضی از توأحی علت عمده هلاکت مردگان بسیار
میشود و نیز در ممالک شمالی و پاکه بسیاری از اطفال نو
بمرض کزاز نایل میشوند استعمال سر ضد کزاز بسیار
مفید است و نکات هر طرف این علاج جلوگیری از مرض
کزاز استعمای نمود و پس از وی اغلب بپاران اثرات پس از اخشه
کردن استعمال نمودند در حیواناتی که به حالجه و ندب را

بکار بردند خالت کنازی بجای موقوف کردند
 به مرضی بنو برکول بیاضی مرضی علی مصی
 مازاکلپانق باخجین طنی برن و در ۱۳۱۳ مازاکر عده
 در مغالجه نازه ایکه در باب نو برکول بواسطه علاجه چیکه
 با سرم تحصیل نموده است اظهار نمود و این معلوم معروف
 ۸۳ نفر که تمام علاقات نو برکول ریوی در آنها برور
 بود از درختان بسیار خفیه نادرختان بسیار دینه و به
 صحیح در آنها اصل شد اما بخت مختلفه که مربوط بخت
 متفاوت مرضی بود

و مازاکلپانق نمیکوید که این مغالجه جدید علاج کلی
 و عمومی بلکه شاگردان خود را هم سفارش مینماید که
 در این باب اغراق نکنند و تجاوز از حدیکه منحصر بانست
 و باین عبارت میگویند که نباید تصور نمود که غای نیاچ
 ممکنه نمود و نمیتوان تصدیق نمود بختی بودن طریقه

نوع در ویت

۱۱۶

از معالجه و قنکه نمیتوان از الهی نمود مگر در ضیق و
فرسند از امراض و در و قنکه در آنچه اختلا لاغاب
که از مرض عفونی حاصل شده و در و قنکه بدن بطوری
کمزور شده است که دیگر نمیتوان آنچه که منظور است حاصل
یعنی در صورتیکه مرض بد مزاج و طوری خراب قاید
نموده است که دیگر اصلاح پذیر نیست و علاج ناسر
ضد نور کول ممکن است مفید باشد امید شفاست
فقط در او قنکه بدن کانون و منبع غریب و بناه کنند
باشد

و در اینجا بهتر از همه آنست که نتایج اعمال این معلوم شود
ذکر نمایم

میکوید حاصل تجارت از اینست که میتوانیم بگویم که از تجارت
عبدی که نموده ام بر من معلوم و ثابت شده است که بوی
سیرم ضد نور کولی میتوان نتایج عالی حاصل نمود

بِاسَاسِ مِثَالِ فَرَاغِ

۱۱۷

صُورِ مَحْلُودِ وَ بِلَدِ حَمایِ نَوِ بَر کُویِ دِنِزِ مِثْوَانِ کَا فِی
 دَر صُورِ بَیْشَدِیدِ وَ خِصْرَه بُوَدِ وَ اَصِلَاحِ بِي اَنْدَازِ
 حَاصِلِ مَوْدِ بِالْجِلْدِ دَر سَمَۃ نَفَرِ نَوِ بَر کُویِ کِ دَر شِیْخِ
 مَحْلُوفِ بُوَدِ نَدِ دَر اَنهَامِ عَاجِلَه بَاسِ مَوْدِ دَر مَحْلُوفِ
 بَکْتَرِ شِفَاوَتِ فَايِدَه وَ اَفْعِلَه مَحْشِدِ دَر اَنهَامِ بَکْتَرِ
 وَ مَرْمَنِ بُوَدِ اَغْلَبْ شِفَاوَتِ بَکْتَرِ وَ بَعْضِ قَرِیبِ شِفَاوَتِ مَرْمَنِ
 نِیْسَمِ کِ کَاشِفِ مَحْشَرِ طَرِیْقَه وَ عِلَاجِ نَازَه مِثْمَالِ بَلْکِ
 کَشْفِ بَیْطَلِکِ رَوَاقِعِ وَ قِیْ شَدِ اَسْتِ کِ اَطِبَّاءِ ثَابِتِ مَوْدِ
 کِ مِثْوَانِ بَوَاسِطَه بَعْضِ قَوَاعِدِ دَر حِوَانَاتِ مَادَه فُحْصَه
 حَاصِلِ کُنْدِ کِ اَنهَارِ اَز اَبْیَلایِ بَاجِرَاضِ عَفْوَنِه حِفْظِ
 وَ حَرَّاسِ تَمَایِدِ اَبْرِ مَادَه دَر سُرْمِخُونِ بَهِمِ مَرْمَنِ
 بَوَاسِطَه سُرْمِ مِثْوَانِ اَز مَوَادِ رَا مَنَقِلِ بَیْنِ حِوَانَاتِ
 اِنْسَانِ مَوْدِ

بِیْرَ اَز مَقَرِ شِیْخِ اَبْرِ اَسَاسِ نَاجَارِ اَوِ بِالطَّبْعِ دَر مَقَامِ

نوع دوم و سیم

۱۱۸

آن در علاج امراض مختلفه برآمدند که از آنجمله مرض نور کول
است و کان من این است که بواسطه سرم مخصوصی بمقتضای
خود می رسد و بنا بریکه از آن حاصل نموده ام نباید اسباب
شما شود زیرا که بابت همچنین با کن همین گونه نتایج را
دست آورده اند ولی تفاوت ایشان باینده فقط این است که
این دهنه اولیه است که اینها بکوشند و بعد از این نظر مخصوص
در معالجه مرض است که تمام شرایط حفظ صحتی و علاجی آنها موجود
بوده است بکار برده اند و نصیحت من نه همان مبتدی است
نخار بیک در چو اناست نموده ام بلکه معالجه انسان هم بوده است
و من در زه این خالنه میدانم بی اعتمادی و اعتراضات که در این
خواهند نمود یعنی اعتراضات که در باب سایرین و معالجات
مرض نور کول نموده اند و اگر بدقت نظر کنند میدانند که
منشاء همه آنها این غلط فاحشی است که نور کول از امراض
لا علاج است و اینرا هم میدانم که همه کس از طبیعت غیر طبیب

سپاسگزاری از پادشاهی

۱۱۹

میدانند که چاره نوبت کوی که با جزیره و جبهه عرض قشرف
موت رسیده است بحال سبب سر هم نمیتواند محض
نماید ولی ضرورتاً بگویم که هر کسی که بواسطه سستی یا کثرت
عیب مسئولین قابل علاج را معالجه نماید بواسطه نتایج
بنگونی که خواهد دید فیما فعل شده را صد پوز می نماید
ولی از آنجایی که بگویم که این تبلیغ واجب است در سه مجلس بارگاه
و با هیئت هوای افزون و محسین قبول کرده است و کشف
مسئولان را که از کشفی بزرگ و عمد است اگر
بنواند مانع رفتار و استیلاهای این بلای مهیب و شایع و
کرد که با بحال از اوضاع دانسته دارند

در این مقام ختم میبایست گفتگوی از سر فراموشی و سایر
آیه قابل ترزینی را در هر قدر نتایج حاصله و امیدوار
موجوده بی اندازه باشد باز میتوان سوال نمود که این
و باقی است این ادویه که حیوانی خواهد شد و در این

چند کلمه از صفات نایبای معلم مبتکاریم و این معلم
 میگوید که افکار اولیه در استعمال فرایاد بینی و در حیوانی
 از تجربه و مشاهده شخصی من نگردیده است بلکه کلمه
 شرایط فرایاد بینی را اخذ نموده اند از منشاء و اثر علی الظاهر
 اینمواد در حیوانات عمل آورنده آنها حاصل می شود حیوانچه
 ز شیعه معده خرجت را برای دفع زشی معده میداند چند
 درالات بناسل فایده بنکوداشت و بواسطه شباهت بوی
 این عیشک باید مطبوع رحم باشد و در اثر اینکه منبع تولید آنها
 رحمت مانند اخلاق و رحم نیز بافتن با پنجه تر و سوز
 پس از ادای ضد اخلاق می دهند
 و اطباء مائه آیهین حیال استعما می شوند بزر وناه را در
 امراض صمد مانند سیل و صیقل الفس و جگر و روده کز گرا
 در لجن رنج و مشیمه را در خرف زنان زاینده و سرافعی در حفظ
 از کربن مار و امثال آنها

سایه‌ها و اشیای پنی

۱۲۱

اگرچه ما با این معالجات اسلاف خود می‌چندیم ولی بواسطه مراجعت غریبی که
 حتی وادارد علمیه دیده می‌شو مواد طبی جدیدی از جنس حیوانی پدید
 نموده است و مسبو یونانی می‌باشد که قسمی از ترشحات کبد
 شیمیائی آن که معلوم است و بر **ترشحات** از آن مکتوف نموده است
 و از استخوان فیروزه‌وری معلوم نموده است که بعضی ترشحات
 غده‌ای با بخاری ترشحه و مانند غده‌ای عرق می‌باشد که در خل
 در خون می‌نمایند مواد پراکنده را که سر و ار محکم نمودن آلات و اعضا^{بسته}
 از آن بی اثر نمودن مواد مضره و کشف جلد اثر و الماده در عمل
 کلیمین و غده در فی در علاج نهج اعشیره خا^{حای} طی شبهه در حقیقت
 ترشحات داخلیه نمیکند

چنانچه استعمار طوبی معده که بقا محل اعراض و التهاب و بواسطه^{خل} و زدا
 در اداره اعمال صحیحه گردیده است و اسباب حرکت و ایجاد و اسرار^{شد} آن
 ممکن است مشاهده کنند و نیز که در آن تمام امراض را بواسطه^{شد}
 فرا باد پنی یا رطوبات دیگر در معالجه می‌نمایند و ادویه که در و

سیر مہاجر باطنی

۱۲۲

دواخلجات انبار نموده اند بجا باید کرد بده است این رفیات غلبه
بقیاد را ذار طیبہ امداد و اصلاح اعمال با غصہ سابقہ مینما
در انتظار نجات صحیحہ این انقلاب بخوبی بطریق و ذاتی بہتر است کہ
عبادت بی شاکر را کہ در ۱۳۱۳ مطلق نموده است ذکر نمائیم
کہ بطور کلی اثر سر فریاد بطنی را در بدن بیان مینماید بگوید اگر
اثر سر مہای ضد بکری سر فریاد بطنی در خالتک بر وزن میل
اعمال بکری بواسطہ آنها ما بال طبع خود را محفوظ از آسیبها
نمائیم و سمو ما با کثرتی فایز شود و این سر فریاد بطنی نیز داخل در
فریاد بر طبعی دیگر در نا این اختصاصا کہ در اوج و از ساخت
و بعین است کہ این غالبہ علائم بنای کهنہ طبقات منزلت مینماید
سہلست از احکام مہمستاد و نذر این جہد و فدای بنای کهنہ
طبیعت عاجز استندام و خلل ناپذیر مہمستاد
و داختر ذلک بشهر مضار المبارک من شہر شہادت حضرت الملائک
الناصی بحی محمد باذر الہامی النفس للقلب کاتب این مکتب

مترجمه بارة الفاظ واصطلاحات است

لَمَّا فِيلَهُ كَكَ - موجود ذره بینی است که علت رنگ است

لَمَّا فِيلَهُ كَكَ - علت حمره و پورپورا است

اُفَرَمِي --- دخول او رده در خون

بَاكِرِي - موجود ذره بینی

بَاكِرِي - معرفت باکریست

بَاكِرِي - موجود ذره بینی است

پِیْتَن - ماده پیست که از رطوبت معده اخذ میشود

پِلَا پِن - فلزی شبیه بنقره و از طلا و زین تراست

بَدِیْت - ظرف حمل و نقل مایعات است

اِکُوْنِی - عمل سوراخ کردن جنم

بَلَرِ پِن - یک نوع ریش حیوان ذره بینی است

تَوْبِرْ کَوَل - دانه فانیست که در مسلول این منفرد میشود

سَاْمَرْ کَر - ماده ایست شبیه بسترطان

سِلَوَل - اجزاء ذره بینی است پنج حیوان و نبات است

شمع چینی بکنوع صافیت چینی دارد که بشکل شمع ساخته شود

فانگوسیت - موجودان ذره بینی است که در خون شناورند

فیبرم - موذلفیه است

فیزپولوی - معرفت اعمال بدن

کاودو قشوق - بکنوع سفید است که با آن اسبابهای متعدده ^{می سازند}

کبای - حیوانیست از جنس موش

کلبول - بمعنای کراهه صغیره است

کلیمیک - برودت در خون

گرام - فیه پیچش است

لپتر - هزار گرم است

میکرب - موجود ذره بینی است

نیشینی - امراض عصبانی

نیشین - مانده یعنی امراض است

هیکر قبل - پنبه مخصوصی است



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران